



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹

صفحات: ۱۲۷-۱۰۵

10.52547/mmi.2413.1

عمارت مصطفی قلی خان فراش باشی

سمیه بختیاری*

چکیده

۱۰۵

عمارت مصطفی قلی خان فراش باشی که امروزه به نام خانه شیران شناخته می‌شود، در محله درب کوشک اصفهان قرار دارد. این عمارت در دهه اول حکومت ظل السلطان (۱۲۵۳-۱۲۶۳ ش/۱۸۷۵-۱۸۸۴ م) در اصفهان ساخته شده است. بانی آن مصطفی قلی خان فراش باشی، یکی از صاحب‌منصبان دارالسلطنه اصفهان در اواسط دوره قاجار است. معرفی مصطفی قلی خان فراش باشی، بانی عمارت، و بررسی معماری و ویژگی‌های بارز عمارت، هدف پژوهش حاضر است. روش تحقیق، تحلیل تاریخی و محتوایی داده‌های پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی، و براساس اسناد، نسخه‌های خطی آرشیوی و گزارش دولتی منتشر نشده، مصاحبه فعال، و مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است. براساس یافته‌های پژوهش، مصطفی قلی خان، فراش باشی ظل السلطان در دارالسلطنه اصفهان، حاکم و مباشر حکومتی و مؤیدی حساب دیوانی برخی از ولایات تحت حکومت او بود. همچنین براساس اسناد و نسخه‌های خطی، مصطفی قلی خان یکی از کارپردازان اجرایی ساخت، مرمت، و بازسازی سربازخانه‌های اصفهان و مرمت و تعمیر برخی از بناهای تاریخی اصفهان در دوره طلایی حکومت ظل السلطان (۱۲۵۳ تا ۱۲۶۶ ش/۱۸۷۵ تا ۱۸۸۸ م) بود. مصطفی قلی خان در ۱۲۶۶ ش/۱۸۸۸ م به‌طور ناگهانی از منصب فراش باشی و حکومت عراق عزل گردید و اموال و املاکش ضبط شد. عمارت فراش باشی، یکی از املاکی است که ظل السلطان پس از مرگ مصطفی قلی خان صادره کرد. این عمارت در یک اشکوب بنا شده، و دارای دو حیاط، تالارهای نهدری، پنج‌دری، اتاق‌های گوشواره، و ارسی است. باتوجه به تاریخ سردر و گستردگی تأسیساتی که باید عمارت فراش باشی ظل السلطان داشته باشد، به نظر می‌رسد عمارت از جبهه شرقی، غربی و فضای حیاط دوم کوچک شده، و درب اصلی آن در کوچه گردو نرسیده به مسجد ذکرائه، قرار داشته است. ویژگی‌های بارز عمارت کنونی فراش باشی، ایوان سرتاسری، تالار نهدری، و حمام است.

کلیدواژگان: مصطفی قلی خان فراش باشی، عمارت فراش باشی، ظل السلطان، خانه شیران، اصفهان.



مقدمه

مصطفی قلی خان، یکی از دولتمردان قاجار بود که براساس اسناد و مدارک، حدود دو دهه در دربار مسعودمیرزا ظل‌السلطان (۱۲۲۸-۱۲۹۶ ش/۱۸۵۰-۱۹۱۸ م)، بزرگ‌ترین فرزند ناصرالدین شاه (۱۲۱۰-۱۲۷۴ ش/۱۸۳۱-۱۸۹۶ م) خدمت کرد. او فراش‌باشی ظل‌السلطان در دوران طلایی حکومت او بود. زمانی که ظل‌السلطان بر یک‌سوم کشور حکمرانی می‌کرد، مصطفی قلی خان در کارنامه زندگی سیاسی خود، افزون‌بر برقراری نظم و امنیت در دارالسلطنه اصفهان، سروسامان دادن به امور آن، و رسیدگی به برقراری نظم و امنیت در دیگر ولایات تحت‌امر ظل‌السلطان، سابقه حکومت و مباحثی خوانسار و کمره، ابرقو، سمیرم، نجف‌آباد، دهقان، برزورد، مبارک، لنجان، عراق، اسفرجان، و قمشه را هم داشت و مؤدب حساب دیوانی روستای جولاهه و برزورد بود. همچنین او یکی از اعضای «انجمن معارف» در اصفهان، و کارگزار اجرایی طرح‌های عمرانی مصوب انجمن و ظل‌السلطان بود که شرح آن در روزنامه فرهنگ اصفهان و اسناد و نسخه‌های خطی آمده است. ظل‌السلطان در ۱۲۶۶ ش/۱۸۸۷ م، سه ماه پیش از استعفا از حکومت‌های تمامی ایالات و ولایات به جز اصفهان به دستور پدر تاجدارش، مصطفی قلی خان را از حکومت عراق (اراک امروزی) یکی از مهم‌ترین ولایات ایران در دوره قاجار و منصب فراش‌باشی عزل کرد و بخشی از اموال او را مصادره نمود. همچنین او را مسئول بررسی مجدد تخفیفات تقدیمی عراق و پرداخت بدهی‌های خود و دیگر صاحب‌منصبان در اسفرجان و قمشه قرار داد. ظل‌السلطان حتی پس از مرگ مصطفی قلی خان نیز از طمع به دارایی و املاک فراش‌باشی دست نکشید و عمارت او را مصادره نمود. عمارت فراش‌باشی در محله قدیمی درب کوشک اصفهان نزدیک خانه میرزا ابرهیم‌خان سرتیپ کاشی قرار داشت. این عمارت که امروزه به نام خانه شیران، آخرین صاحب‌خانه شناخته می‌شود، در یک طبقه ساخته شده، و دارای تالارهای نه‌دری، پنج‌دری، و چند اتاق گوشواره و ارسی است. از مهم‌ترین خصوصیات بارز عمارت، ایوان سرتاسری که در اواسط حکومت ناصرالدین شاه هنوز در اصفهان رایج نبوده، تالار نه‌دری و حمام است. تحقیق درباره یکی از دولتمردان گمنام اصفهان که به‌سختی می‌توان نام او را در کتاب‌های دوره قاجار یافت، سختی‌ها و مشکلات فراوانی دارد. در دوره ناصرالدین‌شاه، دولتمردان زیادی، نام مصطفی قلی خان داشتند، مانند مصطفی قلی خان میرینج، مصطفی قلی خان عرب، و مصطفی قلی خان قاجار که در دربار اصفهان خدمت می‌کردند. به‌جز این‌ها،

فراش‌باشی ولیعهد نیز نامش مصطفی قلی خان بوده است. بنابراین تشابه اسمی این صاحب‌منصبان با مصطفی قلی خان موضوع تحقیق، یکی از مشکلات این پژوهش بوده است. از دیگر مشکلات پژوهش حاضر، این است که تنها کتابچه‌های مالی برخی از ولایاتی که مصطفی قلی خان، حاکم آن بوده، به دست محقق رسیده است. این کتابچه‌ها به خط سیاق نوشته شده، نه تنها خواندن آن بسیار مشکل است، بلکه اطلاعات چندانی هم درباره مصطفی قلی خان ندارد. همچنین آخرین ساکنان عمارت، تغییرات بسیاری در معماری داخلی بنا به‌ویژه تزیینات اتاق‌ها داده‌اند که شناسایی آن‌ها تنها از طریق تحلیل محتوایی تصاویر باقی‌مانده از اواسط دهه سی و اواخر دهه هشتاد شمسی، امکان‌پذیر بود. قمری و یا شمسی بودن تاریخ سردر خانه با وجود روایت متواتر، یک فرضیه باقی ماند. امید است بتوان روزی به اسناد مالکیت خانه در اواخر دوره قاجار دست یافت. هماهنگی برای مصاحبه با خانواده ابریشم‌کار بیش از یک سال طول کشیده است. همچنین باینکه عمارت در حال حاضر به‌طور کامل مرمت شده، نگارنده علی‌رغم پیگیری‌های متعدد موفق به بازدید مجدد از آن نشده است.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

۱. مصطفی قلی خان فراش‌باشی که بود؟
 ۲. معماری بنای عمارت فراش‌باشی چگونه بوده است و ویژگی بارز آن چیست؟
- مصطفی قلی خان فراش‌باشی یکی از صاحب‌منصبان دارالسلطنه اصفهان در دوره حکومت ظل‌السلطان بود. عمارت فراش‌باشی دارای اجزایی از معماری اصیل بومی دوره قاجار است و از ویژگی‌های بارز آن ایوان سرتاسری، تالار نه‌دری، و حمام می‌باشد.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی درباره مصطفی قلی خان فراش‌باشی به‌عنوان صاحب اصلی خانه ملقب به خانه شیران صورت نگرفته است. نگارنده، چهار مقاله درباره مصطفی قلی خان فراش‌باشی نگاشته است. مقاله اول با عنوان «بررسی اوضاع اجتماعی و اقتصادی عراق در دوره حکومت هشت‌ماهه مصطفی قلی خان فراش‌باشی» در سال ۱۳۹۸ در مجله پژوهشی «کنجینه اسناد» به چاپ رسید. نویسنده در این مقاله، اطلاعاتی راجع به جغرافیای عراق، اهمیت آن در دوره قاجار، چگونگی حکومت مصطفی قلی خان در عراق، و دلایل عزل او از حکومت، ارائه داده است. مقاله دوم با عنوان «فراز و فرود زندگی مصطفی قلی خان، فراش‌باشی ظل‌السلطان» در آذرماه ۱۴۰۲



روش پژوهش

این پژوهش به روش تحلیل تاریخی و محتوایی داده‌های پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی، و براساس اسناد، نسخه‌های خطی آرشیوی، و گزارش دولتی منتشر نشده، مصاحبه فعال، و مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای نگاشته شده است. در این روش، برای شناسایی مصطفی قلی خان که از او اطلاعات خاصی در کتاب‌های تاریخی دوره ناصرالدین شاه نیست، بیش از دو هزار برگ نامه، تلگراف و اسناد بیوتات ظل السلطان، و حدود یک صد نسخه خطی مستمریات، مفاصاحساب، و دستورالعمل‌های اصفهان خوانده شده است. نگارنده تاکنون حدود سی برگ سند، و شش نسخه خطی درباره مصطفی قلی خان یافته که به برخی از آن‌ها در این پژوهش، ارجاع داده است. همچنین، تمامی شماره‌های روزنامه فرهنگ اصفهان بررسی گردیده است. برخی از صاحب‌منصبان دارالسلطنه اصفهان، عمومی ناصرالدین شاه و فراش‌باشی ولیعهد نیز نام مصطفی قلی خان داشتند. نگارنده به‌سختی توانست آن‌ها را با بررسی محور زمانی حضور هر یک در دیگر شهرها و پست‌های مختلف، شناسایی کند. تحلیل محتوایی عکس‌هایی که از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان موجود است، و بررسی آن‌ها در هنگام مصاحبه فعال تاریخ شفاهی، به نگارنده کمک کرد تا متوجه زوایای مختلف عمارت شود، و یافته‌ها را با آنچه در سال ۱۳۹۵ از مطالعه میدانی خانه به دست آورده بود، تطبیق دهد.

زندگینامه و خدمات مصطفی قلی خان فراش‌باشی

مصطفی قلی خان از خاندان خواجگان شهرستان نور استان مازندران بود. این خاندان، از ابتدای حکومت قاجار در ارکان دولت نقش داشتند. اسدالله خان فرزند حاجی میرزا محمد اکبر ملقب به میرزا آقابابا، نخستین فرد خاندان خواجگان نور است که در ۱۶۲ ش/۱۷۸۳ م به خدمت آقامحمدخان، مؤسس سلسله قاجار درآمد (هاسه‌گاو، ۱۳۹۱: ۵۱۹ و ۵۲۳). مشهورترین فردی که از این خاندان به حکومت قاجار خدمت کرد، میرزا آقاخان نوری (اعتمادالدوله)، دومین صدراعظم ناصرالدین شاه بود (خواججه‌نوری، ۱۳۳۵: ۵-۲). مصطفی قلی خان به همراه برادرش میرزا محمدزکی خان در اوایل دهه پنجاه قرن سیزدهم شمسی به دربار ظل السلطان راه یافت (سعادت نوری، ۱۳۴۷: ۵۲-۵۰). او در دوران طلایی حکومت ظل السلطان از ۱۲۵۳ ش/۱۸۷۵ م تا ۱۲۶۶ ش/۱۸۸۸ م که ناگهان از سریر قدرت به زیر کشیده شد، فراش‌باشی ظل السلطان بود. مصطفی قلی خان در قصر فراش‌خانه افزون بر چندصد

در مجله پژوهشی «خاورمیانه‌شناسی بریتانیا» چاپ شده است. در این مقاله نویسنده پس از معرفی مصطفی قلی خان به جایگاه منصب فراش‌باشی در دوره صفوی و قاجار، نفوذ و اقتدار فراش‌باشی ظل السلطان، جایگاه اجتماعی و انتظامی او در اصفهان و ولایات تحت حکومت ظل السلطان، نقش او در انجمن معارف، اقداماتش به‌عنوان کارگزار اجرایی طرح‌های عمرانی ظل السلطان، و چگونگی برکناری و سرانجام او پرداخته است. مقاله سوم با عنوان «مصطفی قلی خان فراش‌باشی در آیین اسناد و نسخه‌های خطی» در تابستان ۱۴۰۲ در مجله «پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی» چاپ شده است. در این مقاله نویسنده، به تحلیل محتوای اسناد و نسخه‌های مرتبط با مصطفی قلی خان فراش‌باشی پرداخته است. مقاله چهارم با عنوان «تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل السلطان در اصفهان» در دی‌ماه ۱۴۰۲ در مجله «گنجینه اسناد» منتشر شده است. نویسنده در این مقاله، پس از بررسی تشکیلات نظامی دوره قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین شاه، به معرفی ظل السلطان، چگونگی تشکیلات نظامی او، و سربازخانه‌هایش در اصفهان پرداخته است. در این مقاله نویسنده با اسناد، نسخه‌های خطی و گزارش‌های روزنامه فرهنگ اصفهان ثابت کرده که مصطفی قلی خان دو سربازخانه فتحیه (روبه‌روی کاروان‌سرای مادرشاه)، و سربازخانه ناصری را به دستور ظل السلطان ساخته، و سه سربازخانه فتح‌آباد (کاروان‌سرای مادرشاه)، سربازخانه نقش جهان، و سربازخانه چهارحوض را متناسب با سربازخانه و محل مشق سربازان، تغییر کاربری داده است.

درباره چگونگی معماری خانه شیران پژوهش‌هایی صورت گرفته که از مهم‌ترین آن‌ها، گزارشی است که یکی از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان در ۱۳۸۸ ارائه داده است. نویسنده گزارش همانند برخی دیگر از پژوهشگران مطالعات معماری، به دلیل اصالت بختباری آخرین صاحب‌خانه، وجود ایوان و برخی از اجزای بنا را مرتبط با سبک کردی دانسته است. صرف‌نظر از دلایل دیگر، تنها تصویر مصطفی قلی خان فراش‌باشی در اتاق گوشواره غربی، این دیدگاه را رد می‌کند. چون فراش‌باشی در آن بازه زمانی که سبک کردی در اصفهان رایج شده، در قید حیات نبوده است. بنابراین از نظر بررسی پیشینه تحقیق، به لحاظ محتوایی، سابقه پژوهش مستقلی برای مقاله حاضر وجود ندارد و برای نخستین بار است که این خانه به‌عنوان عمارت فراش‌باشی مطرح می‌گردد. با این رویکرد، در این مقاله به معرفی صاحب اصلی خانه، و بررسی معماری عمارت، و خصوصیات بارز آن پرداخته شده است.

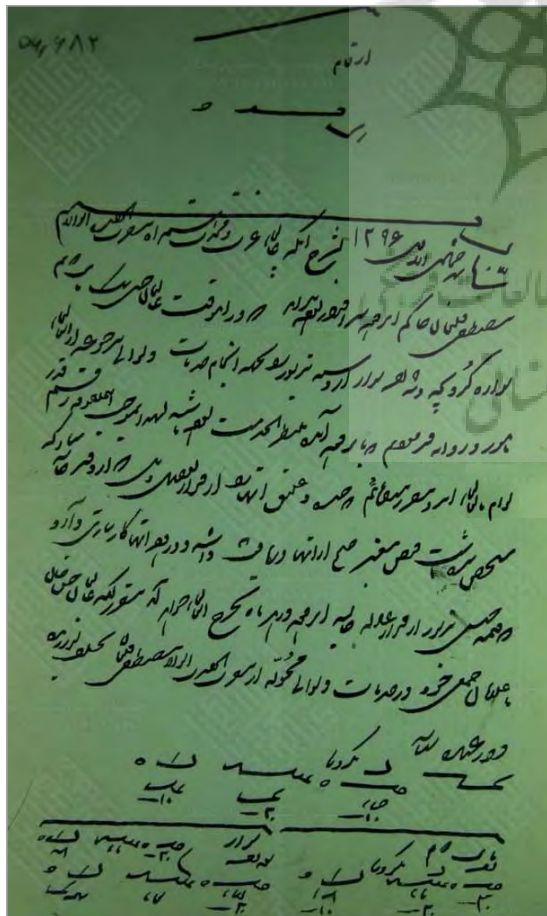
فراش زبردست، دسته سواره نظام نیز داشت (روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۱۳۰، ۳۰ محرم ۱۲۹۹ق). برخی از اموری که به دست مصطفی قلی خان در سمت فراش‌باشی ظل السلطان صورت گرفته، نظارت بر اجرای حکم، برگزاری اردوی نظامی، بازرسی، بازدید و انتظام امور سپاه در ولایات، و رسیدگی و حل اختلافات در مناطق کردستان و کرمانشاه بوده است (روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۱۲۹، ۲۳ محرم ۱۲۹۹ق و نمره ۱۳۰، ۳۰ محرم ۱۲۹۹ق و نمره ۱۹۹، ۱۱ جمادی الاخری ۱۳۰۰ق؛ مردوخ کردستانی بی تا: ج ۱، ۲۱۰-۲۱۲ و سندجی ۱۳۷۵: ۳۷۲-۳۷۵).

مصطفی قلی خان بر اساس فحوای نسخه خطی «کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات» در تیرماه ۱۲۶۵ش/ژوئن ۱۸۸۶م تا آذر ۱۲۶۵ش/نوامبر ۱۸۸۶م ده‌ها عملیات عمرانی انجام داده است. از آن جمله می‌توان به تعمیر و مرمت عمارات چهل ستون، رکیب‌خانه، عمارت کاج، هفت‌دست و کاروان‌سرای مخلص، تکیه دولت و امامزاده احمد، سنگ‌فرش نمودن خیابان چهارباغ و تعمیر و بازسازی پل‌های خواجه و سی‌وسه پل و مارنان اشاره کرد (نسخه خطی کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات، شماره بازیابی ۹۴۸س). همچنین او به دستور ظل السلطان، مباشر و کارپرداز عمرانی ساخت سربازخانه ناصری در شمال غربی میدان نقش جهان، مرمت و بازسازی سربازخانه چهارحوض در سمت شمال عمارت عالی‌قاپو، سربازخانه میدان نقش جهان، و کاروان‌سرای مادرشاه برای سربازخانه فتحیه بود (بختیاری، ۱۴۰۲، تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل السلطان در اصفهان).

براساس اسناد و نسخه‌های خطی، مصطفی قلی خان هم‌زمان با منصب فراش‌باشی از جانب ظل السلطان به حکومت و مباشری برخی از شهرها و روستاها نیز منصوب شده است. او حاکم خوانسار و کمره در ۱۲۵۷ش/۱۸۷۸م (روزنامه ایران، نمره ۲۵۳، ۱۱ جمادی الاول ۱۲۹۵ق)، حاکم ابرقوه در جمادی الاول ۱۲۵۸ش/اپریل ۱۸۷۹ (شکل ۱؛ سند رقم انجام خدمت مصطفی قلی خان حاکم ابرقوه، شماره بازیابی ۲۵۴۲)، نایب‌الحکومه سمیرم، نجف‌آباد، دهقان، برزرو و مبارکه لنجان (نسخه خطی کتابچه مفاصاحساب سمیرم، نجف‌آباد و غیره، شماره بازیابی ۱۰۱/۱۵۵)، کرمانشاهان (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۱۴۱)، عراق (نسخه خطی کتابچه تحقیقات و کسور دهات مخروبه عراق، شماره بازیابی ۹۵۴س)، و مؤدی حساب دیوانی روستای جولاهه (جلفای امروزی) و برزرو (سند مؤدیان سنه ماضیه یونت‌ئیل، شماره بازیابی ۲۰۴۸) بود (بختیاری، ۱۴۰۲، مصطفی قلی خان فراش‌باشی در آیین اسناد و نسخه‌های خطی). عراق، آخرین ولایتی است

که مصطفی قلی خان پیش از برکناری از منصب فراش‌باشی، حاکم آنجا بود. او در مدت هشت‌ماه حکومت در عراق به احیای قنات‌های سلطان‌آباد و برخی از روستاهای منطقه عراق، بازگرداندن کشاورزان به زمین‌های خالصه، تثبیت نرخ ارزاق عمومی، و تشکیل اتاق تحقیق برای برقراری عدالت پرداخت (Bakhtiari, 2025: 468-475).

ظل السلطان که تا اواسط ۱۲۶۶ش/۱۸۸۸م بارها به بهانه‌ها و دلایل بسیاری، مصطفی قلی خان فراش‌باشی را در بین عموم مردم و صاحب‌منصبان مورد تشویق قرار داده، و به او خلعت‌ها بخشیده بود و محرر روزنامه فرهنگ اصفهان او را «از صدق‌ای دولتخواه و چاکران مؤتمن حضرت ولینعمت‌زاده مفخم معظم والا می‌دانست (روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۳۸۱، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ق)، به‌طور ناگهانی از منصب فراش‌باشی و حکومت عراق عزل کرد. دلایل عزل مصطفی قلی خان از منصب فراش‌باشی و حکومت عراق در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. به نظر می‌رسد، محبوبیت فراش‌باشی نزد مردم اصفهان و عراق، کارشکنی صاحبان قدرت در عراق که از بی‌آبی روستاها و یا خرابی زمین‌های خالصه سود



شکل ۱. سند رقم انجام خدمت مصطفی قلی خان حاکم ابرقوه (اسناد دیجیتال کتابخانه مرکزی اصفهان)

می‌بردند، و اتهام اخلاص و فساد در عمل مالیات و ولایت ثروتمند عراق از نظر ناصرالدین شاه و ظل السلطان به دلیل شیوع بیماری در بین مردم و دام‌ها و بروز قحطی در عراق، در برکناری او از حکومت عراق و منصب فراش‌باشی مؤثر بوده باشند (بختیاری، ۱۳۹۸: ۵۶-۵۰). در بین این دلایل احتمالی، گویا مهم‌ترین دلیل، اتهام اخلاص در عمل مالیات است. ظل السلطان در طی چهل و پنج سال حکومت بر مناطق مختلف ایران به سفاکی، ظلم و ستم و طمع ورزیدن به مال و ناموس مردم، شهرت داشت (خاطرات تاج السلطنه، بی تا: ۴۸ و خاطرات حسام‌الدوله معزی، ۱۳۷۹: ۲۱۳ و شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء، ۱۳۶۱: ۱۱۴-۱۱۵) و اموال بسیاری از صاحب‌منصبان خود را مانند سراج‌الملک و مشیرالملک به اتهام کارشکنی در مالیات، مصادره نمود. مصطفی قلی خان نیز متمول بود و در منابع، به مصادره اموالش و قلع و قمع او، اشاره شده است. در شرح حال رجال ایران، نوشته مهدی بامداد آمده: «خانه و املاک مصطفی قلی خان نوری، فراش‌باشی خود را به جبر و غنم ضبط نمود و فرن او را تیره بخت و سیه روز کرد» (بامداد، ۱۳۵۷، ج ۴: ۹۸). تنها در نسخه خطی «یادداشت‌های تاریخی جابری انصاری» به دلیل عزل مصطفی قلی خان آن هم به طور ضمنی در قالب ابیات فارسی و عربی، اشاره شده است. جابری انصاری حکومت عراق را گنجی توصیف کرده که مصطفی قلی خان پس از به دست آوردنش، متحمل رنج و سختی شده است. مصطفی قلی خان پس از برگزاری اردوی شکار شاهانه‌ای در شکارگاه هفتاد قله به دلیل کارشکنی صاحبان قدرت در عراق و حرص و طمع ظل السلطان که به شکار شیر روی آورده بود، مصطفی قلی خان را از حکومت عراق و منصب فراش‌باشی عزل کرد (Bakhtiari, 2025, 477-479).

پس از عزل مصطفی قلی خان در دی ماه ۱۲۶۶ ش/ ژانویه ۱۸۸۸ م، دیگر در روزنامه فرهنگ اصفهان به او اشاره‌ای نشده است و تا مدتی خبری از حضور او در بین صاحب‌منصبان ظل السلطان در اسناد و منابع، نیست. براساس نسخه خطی «کتابچه جمع و خرج قریه اسفرجان»، مصطفی قلی خان در ۱۲۶۸ ش/ ۱۸۸۹ م حاکم قریه اسفرجان بوده است. این کتابچه توسط مصطفی قلی خان به خط نستعلیق شکسته و سیاق نوشته شده و ممهور به مهر مصطفی قلی خان بدون پسوند فراش‌باشی و تاریخ است (نسخه خطی کتابچه جمع و خرج قریه اسفرجان، شماره بازیابی ۱۰۳۴ س). بنابراین براساس اسناد و مدارکی که تاکنون به دست آمده، مصطفی قلی خان تا ۱۲۶۹ ش/ ۱۸۹۰ م که کتابچه جمع و خرج اسفرجان را تحویل داده، در دستگاه حکومت ظل السلطان مشغول به کار بوده است. نظام السلطنه مافی در کتاب خاطراتش در

شرح ملاقات خود با ظل السلطان در اواخر ۱۲۷۰ ش/ ۱۸۹۲ م به مراسم استقبالی که از او در شهرضا صورت گرفته، اشاره کرده است. او نوشته: «در شهرضا از جانب شاهزاده ظل السلطان، مصطفی قلی خان فراش‌باشی با کالسکه چهاراسبه سواری خود ش و سه یدک و پنجاه سوار به استقبال آمد...» (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۷۴). در این شرح دو نکته حائز اهمیت وجود دارد، یکی منصب فراش‌باشی است. او مصطفی قلی خان را فراش‌باشی ظل السلطان نوشته است. از آنجاکه یکی از وظایف فراش‌باشی استقبال از شخصیت مهم مملکتی بوده، می‌توان نتیجه گرفت که مصطفی قلی خان بار دیگر به منصب فراش‌باشی منصوب شده، و یا نائب برادرش، میرزا زکی خان فراش‌باشی، بوده است. احتمال دوم، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. نکته دوم این است که داشتن کالسکه چهاراسبه سواری در دوره قاجار، مخصوص ثروتمندان و صاحب‌منصبان معتبر بوده، بنابراین گویا بخشی از اموال او به دستور ظل السلطان ضبط شده است. البته ممکن است کالسکه و فراش‌های همراه، متعلق به فراش‌خانه دار السلطنه بوده باشد. مصطفی قلی خان بنا به نسخه خطی «کتابچه تحقیقات و کسور دهات مخروبه عراق»، تا دو سال پس از برکناری از حکومت عراق در حال تسویه حساب مالیات آنجا بوده، و در بخشی از نسخه اعلام کرده که دیگر چیزی برای وصول باقی مالیات و تفاوت عمل عراق، باقی نمانده است (شکل ۲؛ نسخه خطی کتابچه تحقیقات



شکل ۲. نسخه خطی کتابچه تحقیقات و کسور دهات مخروبه عراق (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)





و کسور دهات مخروبه عراق، برگ ۲۲). همچنین در کتابچه جمع و خرج قریه اسفرجان که یک سال پس از آن نگاشته شده، بسیاری از قبوض و برات‌هایی که باید ظل السلطان و برخی از صاحب‌منصبان به اهالی اسفرجان پرداخت می‌کردند، تعهد و تقبل نموده است (نسخه خطی کتابچه جمع و خرج قریه اسفرجان، برگ ۴ تا ۹).

همسر مصطفی قلی خان، نازنین بیگم نیا ز السلطنه دختر محمد رضامیرزا مستوفی بود. آن‌ها سه پسر و دو دختر داشتند. براساس شواهد شفاهی، دو پسر فراش‌باشی به نام‌های رضاقلی خان و یاور مرتضی قلی خان، از نوجوانی تجربه حکومت در سده و خدمت در دربار ظل السلطان را داشتند، ولی هنوز مستندات تاریخی آن به دست نیامده است (بختیاری، ۱۴۰۴: ۲۵۵ و ۲۸۹). اطلاعاتی از ادامه زندگی، زمان مرگ و مدفن مصطفی قلی خان نوری فراش‌باشی در دست نیست. ظل السلطان تا پیش از مرگ مصطفی قلی خان، اقدام صریحی برای ضبط اموال او نکرد. به نظر می‌رسد، صحنه و تأیید مستوفی‌های نامدار دارالسلطنه اصفهان بر اسناد خرج کتابچه‌های مالی مصطفی قلی خان، و محبوبیت او در نزد مردم اصفهان و عراق، مانعی بوده باشد. به هر روی، بنا به گفته پروین دخت سپهرنوری نبیره مصطفی قلی خان، به نقل از مادر مرحومش، پس از مرگ مصطفی قلی خان، ظل السلطان پیغام فرستاده که خدمت‌و حشم خان را مرخص کنند. همسر مصطفی قلی خان همینطور که در چهار گوشه حیاط اندرونی گام بر می‌داشته، پاسخ می‌دهد که آن قدر دینینه و ملک و املاک دارند که بتوانند مستخدم‌ها را نگه دارند (سپهرنوری، ۱۳۹۶). مدت کمی پس از آن، صبر و طاقت ظل السلطان برای مدارا با خانواده فراش‌باشی فروکش نمود و با مصادره اموال و دارایی‌ها «فرن او را تیره‌بخت و سیه‌روز کرد» (بامداد، ۱۳۵۷، ج ۴: ۹۸). در نتیجه، مصطفی قلی خان بین سال‌های ۱۲۷۸ ش/ ۱۸۹۹ م تا ۱۲۸۶ ش/ ۱۹۰۷ م که ظل السلطان از حکومت اصفهان برکنار شده، فوت کرده است. گفتنی است، در دفاتر و اسناد دست‌ور العمل و مستمری، اثری از پرداخت مقرری به خانواده فراش‌باشی دیده نمی‌شود (بختیاری، ۱۴۰۲). مصطفی قلی خان در آیین اسناد و نسخه‌های خطی).

مدفن مصطفی قلی خان فراش‌باشی در اصفهان مشخص نیست. اکثر صاحب‌منصبان و افراد مشهور اصفهان در دوره قاجار، در امامزاده احمد، و یا مجموعه تخت فولاد دفن شده‌اند، اما اثری از مقبره مصطفی قلی خان نیست. بنا به نقل قولی، آرامگاه او در سرداب تکیه مادر شازده در مجموعه تخت فولاد بوده است (نوری خواجوی، ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد تا یک دهه پیش، سه سنگ قبر در سرداب بوده است، چون سرداب کوچک بوده و زائران

در آنجا نماز حاجت می‌خواندند، آن سنگ قبرها به مکان نامعلومی انتقال داده شده است. جابری انصاری در شرح تکیه مادر شازده به سرداب تکیه و مدفن مصطفی قلی خان اشاره نکرده است (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۷۹)، و این امر به تنهایی احتمال مدفن بودن مصطفی قلی خان را در تکیه رد می‌کند. در دوره قاجار به‌ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه، افراد بسیاری اعم از تجار، ثروتمندان، صاحب‌منصبان و حتی مردم عادی وصیت می‌کردند که پس از مرگ، در شهر زیارتی کربلا دفن شوند. باتوجه به اینکه مقبره بسیاری از دولتمردان قاجار در اصفهان مشخص است، برخی از اصفهان‌شناسان احتمال می‌دهند، مصطفی قلی خان فراش‌باشی در کربلا دفن شده باشد (زارعی، ۱۳۹۹).

خانه مصطفی قلی خان فراش‌باشی

خانه مصطفی قلی خان فراش‌باشی در محله قدیمی درب کوشک اصفهان، قرار دارد. این خانه که در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۹۰۲۱ در خردادماه ۱۳۸۲ ش ثبت شده است، امروزه به نام خانه محمدقلی شیران، آخرین صاحب‌خانه پیش از فروختن به سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان شناخته می‌شود. براساس نقشه تاریخی شهر اصفهان که سید رضاخان در ۱۳۰۲ ش ترسیم نموده، و کتاب «احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان» که میرسیدعلی جناب در ۱۳۰۵ ش/ ۱۹۲۶ م نوشته، خانه مصطفی قلی خان در محدوده کوچه آقاسید محمدعلی محله درب کوشک قرار دارد که طبق کتاب احصائیه، متعلق به فرد دیگری بوده است (جناب، ۱۳۹۳: ۸۱). بنا به روایات شفاهی نبیره‌های مصطفی قلی خان به نقل از اجدادشان، خانه مصطفی قلی خان یکی از اموالی است که ظل السلطان پس از مرگ فراش‌باشی، مصادره کرده است (سپهرنوری، ۱۳۹۶؛ نوری خواجوی، ۱۴۰۰).

به شکل (۳) نگاه کنید. ابراهیم خان سرتیپ غفاری کاشی یکی از صاحب‌منصبان دربار ظل السلطان، پدر همسر رضاقلی خان فرزند مصطفی قلی خان است (بختیاری، ۱۴۰۴: ۲۰۷). امروزه خانه او به خانه امین شهرت دارد. کنار آن، خانه رضاقلی خان است که اکنون در اختیار بازماندگان فراش‌باشی است، و خانه مصطفی قلی خان، در فاصله حدود چهار متری آنجا قرار دارد. به شکل (۴) نگاه کنید.

موقعیت خانه در محله

خانه در محله درب کوشک، یکی از محله‌های قدیمی اصفهان واقع شده است. به نظر می‌رسد براساس کتیبه کاشی

مهرت خانه ها در دوره ساسانی -

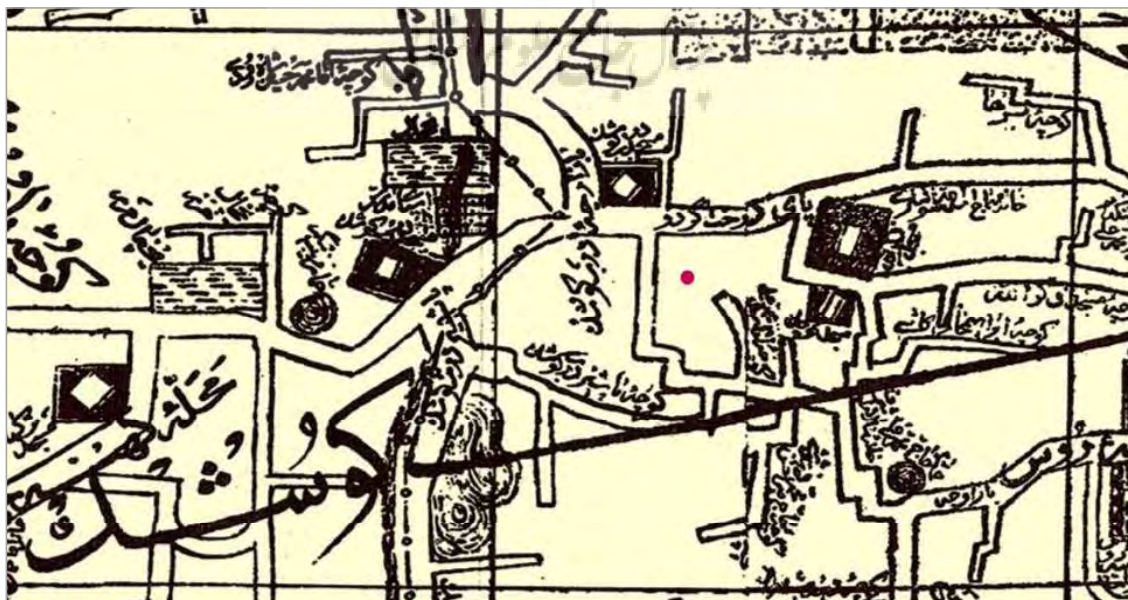
ردیف	نام خانه	تاریخ	معماری	سازنده	مکان
۱	مهرت خانه	۱۳	سنگ	نظام انوار	سنگ
۲	مهرت خانه	۱۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳	مهرت خانه	۱۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴	مهرت خانه	۱۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵	مهرت خانه	۱۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶	مهرت خانه	۱۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷	مهرت خانه	۱۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸	مهرت خانه	۲۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۹	مهرت خانه	۲۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۰	مهرت خانه	۲۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۱	مهرت خانه	۲۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۲	مهرت خانه	۲۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۳	مهرت خانه	۲۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۴	مهرت خانه	۲۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۵	مهرت خانه	۲۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۶	مهرت خانه	۲۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۷	مهرت خانه	۲۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۸	مهرت خانه	۳۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۱۹	مهرت خانه	۳۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۰	مهرت خانه	۳۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۱	مهرت خانه	۳۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۲	مهرت خانه	۳۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۳	مهرت خانه	۳۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۴	مهرت خانه	۳۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۵	مهرت خانه	۳۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۶	مهرت خانه	۳۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۷	مهرت خانه	۳۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۸	مهرت خانه	۴۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۲۹	مهرت خانه	۴۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۰	مهرت خانه	۴۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۱	مهرت خانه	۴۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۲	مهرت خانه	۴۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۳	مهرت خانه	۴۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۴	مهرت خانه	۴۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۵	مهرت خانه	۴۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۶	مهرت خانه	۴۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۷	مهرت خانه	۴۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۸	مهرت خانه	۵۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۳۹	مهرت خانه	۵۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۰	مهرت خانه	۵۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۱	مهرت خانه	۵۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۲	مهرت خانه	۵۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۳	مهرت خانه	۵۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۴	مهرت خانه	۵۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۵	مهرت خانه	۵۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۶	مهرت خانه	۵۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۷	مهرت خانه	۵۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۸	مهرت خانه	۶۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۴۹	مهرت خانه	۶۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۰	مهرت خانه	۶۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۱	مهرت خانه	۶۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۲	مهرت خانه	۶۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۳	مهرت خانه	۶۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۴	مهرت خانه	۶۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۵	مهرت خانه	۶۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۶	مهرت خانه	۶۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۷	مهرت خانه	۶۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۸	مهرت خانه	۷۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۵۹	مهرت خانه	۷۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۰	مهرت خانه	۷۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۱	مهرت خانه	۷۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۲	مهرت خانه	۷۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۳	مهرت خانه	۷۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۴	مهرت خانه	۷۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۵	مهرت خانه	۷۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۶	مهرت خانه	۷۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۷	مهرت خانه	۷۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۸	مهرت خانه	۸۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۶۹	مهرت خانه	۸۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۰	مهرت خانه	۸۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۱	مهرت خانه	۸۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۲	مهرت خانه	۸۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۳	مهرت خانه	۸۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۴	مهرت خانه	۸۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۵	مهرت خانه	۸۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۶	مهرت خانه	۸۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۷	مهرت خانه	۸۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۸	مهرت خانه	۹۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۷۹	مهرت خانه	۹۱	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۰	مهرت خانه	۹۲	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۱	مهرت خانه	۹۳	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۲	مهرت خانه	۹۴	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۳	مهرت خانه	۹۵	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۴	مهرت خانه	۹۶	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۵	مهرت خانه	۹۷	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۶	مهرت خانه	۹۸	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۷	مهرت خانه	۹۹	سنگ	دریغ علیا	سنگ
۸۸	مهرت خانه	۱۰۰	سنگ	دریغ علیا	سنگ

شکل ۳. نسخه خطی احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان جناب (آرشیو شخصی رضوان پورعصار)

معرق بر سردر زاویه به تاریخ ۸۷۵ش/۱۴۹۶م و نام ابوالمظفر رستم بهادرخان، این محله، دارالاماره ترکمانان آق قویونلو در اواخر قرن نهم شمسی بوده و سردر آن باقی مانده دروازه قصری بوده است. در دهه اول حکومت پهلوی، کتیبه‌های این سردر به همراه مجسمه شیر بزرگی به شهرداری و باغ‌عمارت چهلستون، انتقال داده شد (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۲۰؛ هنرفر، ۱۳۸۶: ۱۸۰). مدرسه باقریه یا در کوشک و یا باب‌القصر یکی دیگر از بناهای تاریخی محله مذکور است. در گذشته به دلیل قرار داشتن مجسمه شیر در کنارش، به مدرسه پاشیر نیز شناخته می‌شد (مهدوی، ۱۳۸۶: ۷۸ و ۷۹). مدرسه ترک‌ها، مسجد پاشیر یا پاسنگ، و مسجد رحیم‌خان، از دیگر آثار تاریخی این محله است.

معماری بنای خانه و تغییرات آن

خانه حداقل تا ۱۲۷۸ش/۱۸۹۹م که مصطفی قلی خان در قید حیات بوده، متعلق به او بوده است. هنوز مشخص نیست، در چه سالی خانه صادره شده، اما به نظر نمی‌رسد پیش از تخریب قصر فراش خانه در ۱۲۷۵ش/۱۸۹۶م بوده باشد؛ زیرا بر اساس تصویریری که از مصطفی قلی خان به دست آمده، او حداقل تا ۱۲۷۸ش در قید حیات بوده است (بختیاری، ۱۴۰۴: ۲۸۴). بر روی سردر تأسیسات کتونی عمارت فراش باشی تاریخ ۱۳۲۴ درج شده که قمری و یا شمسی بودن آن، مشخص نیست. بنا به روایت خانواده ابریشم‌کار که از ۱۳۱۴ش/۱۹۳۵م در دوره پهلوی ساکن خانه بوده‌اند، سردر در زمان سکونت آن‌ها به همین شکل بوده است (اقدس رضایتمد، ۱۴۰۲). به عبارت دیگر،



شکل ۴. نقشه تاریخی دارالسلطنه اصفهان، مقطع محله درب کوشک





سردر در سال ۱۳۲۴ شمسی ساخته و یا مرمت نشده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که سال درج شده ۱۳۲۴، قمری و برابر با ۱۲۸۴ شمسی است. هنوز مشخص نیست در اواخر حکومت قاجار چه کسی ساکن عمارت فراش‌باشی بوده است، اما باتوجه به کتاب «احصاییه خانه‌ها و محلات اصفهان در ۱۳۰۳ ش/۱۹۲۴ م، خانواده فراش‌باشی در آن سکونت نداشتند (جناب، ۱۳۹۳: ۸۱).

جعفر ابریشم‌کار ملقب به استاد جعفر معمار در ۱۳۱۴ ش/۱۹۳۵ م خانه را خریداری کرد. سپس فرزندش مرتضی آن را به محمدقلی شیران در ۱۳۴۶ ش/۱۹۶۷ م فروخت. خانواده شیران در دهه‌های شصت و هفتاد شمسی بارها برای فروش خانه تاریخی خود به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان اصفهان مراجعه نمودند، اما بی‌ثمر بود. تا اینکه خانه در ۱۳۸۲ ش/۲۰۰۳ م در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردید. پس از آن خانواده شیران، فروش خانه را در روزنامه نیازمند ی‌های همشهری آگهی کردند (خانه تاریخی شیران در معرض فروش، ۱۳۸۳). در این آگهی آمده: «۹۰۰ متر یک طبقه از آثار تاریخی استان اصفهان، تمامی سالن‌ها آیینه‌کاری و گچ‌بری و نقاشی، اثر معماران ۲۵۰ سال قبل با کلیه امکانات با قیمت توافقی به فروش می‌رسد» (روزنامه نیازمندی‌های همشهری، هشتم مهرماه ۱۳۸۳). این آگهی توجه خبرنگاران را به خود جلب نمود. ماهنامه دانش نما در آبان‌ماه با خانواده شیران مصاحبه کرد و گزارش نسبتاً مفصلی راجع به وضعیت یک اثر ملی و بی‌توجهی سازمان میراث فرهنگی به آن، منتشر کرد (خانه تاریخی شیران در معرض فروش، ۱۳۸۳). پس از رسانه‌ای شدن وضع خانه، سازمان میراث فرهنگی اقدام به خرید خانه نمود.

خانه‌های صاحب‌منصبان و ثروتمندان دوره قاجار، دو عمارت متصل اندرونی و بیرونی داشت. عمارت اندرونی به سبک قدیم ساخته می‌شد و متعلق به زنان و دیگر اعضای خانواده بود، و عمارت بیرونی با تالار پذیرایی، محل ملاقات صاحب‌منصبان، اشراف و تجار با میهمانان و دیگر مراجعه کنندگان بود (رونه دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۴۴ و ۱۴۵). تأسیسات کنونی عمارت فراش‌باشی دارای دو فضای عمارت اندرونی و بیرونی است، ولی باتوجه به اینکه بخشی از عمارت مذکور محل ملاقات صاحب‌منصبان حکومتی و برگزاری میهمانی‌ها و مجالس رسمی و روضه‌خوانی بوده است، به جز بخش اندرونی باید فضاهایی مانند محل سکونت کارکنان و خدمه، محل انتظار مراجعه کنندگان، محل ملاقات‌های کاری و رسمی، محل بازداشتگاه موقت و ستورخانه نیز داشته باشد که تأسیسات کنونی، فاقد آن‌هاست. براساس گزارشی که در روزنامه فرهنگ

اصفهان و خاطرات یکی از افراد نزدیک به دربار آمده است، سارق خانه خواجه یوسف تبعه عثمانی، خورجین پول‌های خواجه را به قاپوچی خانه فراش‌باشی تحویل داده (روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۲۸۶، ۲۹ صفر ۱۳۰۲ ق و نسخه خطی روزنامه خاطرات، برگ ۵۵). یعنی عمارت آن قدر بزرگ بود که دربان داشته و در آنجا ساکن بوده است. به تاریخ درج‌شده بر سردر کنونی خانه، دقت کنید. به نظر می‌رسد، این تاریخ همان سالی است که مساحت عمارت کوچک‌تر شده است. به عبارت دیگر، اگر براساس شواهد شفاهی، تاریخ سردر، قمری در نظر گرفته شود، عمارت فراش‌باشی یک سال پیش از برکناری ظل‌السلطان از حکومت اصفهان، به سه یا چهار ساختمان تبدیل شده است. با این فرضیه، عمارت از جبهه شرقی، غربی، و حیاط دوم کوچک شده، و درب اصلی عمارت در کوچه گردو نرسیده به مسجد ذکرائله قرار داشته است.

ورودی خانه

ورودی عمارت، در محور اصلی بنا قرار گرفته است و در کنار آن، ساختمان‌های جدید قرار دارد. ورودی خانه، به شکل هندسی و متقارن است. اجزای ورودی خانه از ترکیب سردر با یک طاق‌نمای مرکزی و دو طاق‌نمای قرینه، دو سکوی سنگی و چهار ستون قرینه، درگاه، در، کریاس، و دالان تشکیل شده است.

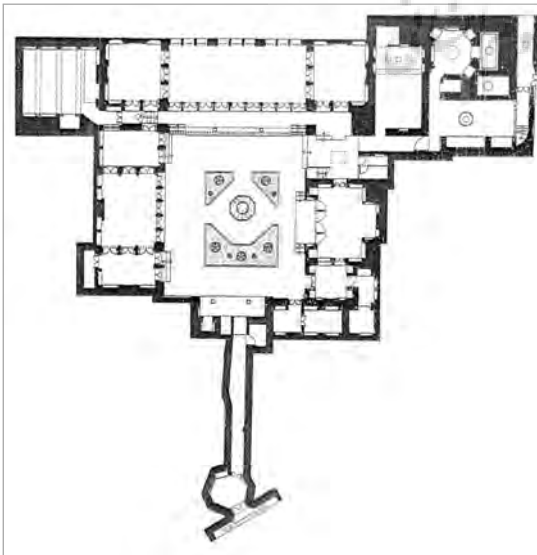
- **سردر و تزیینات آن:** سردر، تنها نمای بیرونی خانه است. این بخش، دارای تزیینات گچ‌بری برجسته و ظریف با نقوش گل و گیاه، تاج پادشاهی، و کتیبه آیه ۵۱ سوره قلم «وَ إِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا...» با خط نستعلیق است. به شکل (۵) نگاه کنید. در دو طرف کتیبه، درون دایره‌ای حرف انگلیسی «M» کار شده و زیر آن سال ساخت سردر، ۱۳۲۴ نوشته شده، که براساس آنچه پیش از این گفته شد، قمری است. در دو طرف طاق‌نمای مرکزی، دو سکوی سنگی قرار دارد که دو جفت ستون استوانه‌ای روی آن‌ها قرار گرفته است. این سکوها، دارای نقوش گل و گیاه و ستونی چهارگوش با تزیینات آجرکاری و گچ‌بری هستند که طاق‌نمای مرکزی را به دو طاق‌نمای دیگر متصل می‌کنند. سکوها، محل انتظار و استراحت کردن هستند.

- **در و فضای داخلی ورودی:** درب چوبی دولنگه در فضای درگاه، زیر طاق‌نمای قوسی شکل قرار دارد. بنا به گفته همسر مرتضی ابریشم‌کار، درب چوبی دو لنگه خانه در طول روز باز بوده، و آن را شب‌ها از داخل از طریق گذاشتن یک کلید فولادی به طول نیم متر درون دو حلقه، قفل می‌کردند (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲).

حوض سرازیر می‌شد» (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۸). روبه‌روی ورودی دالان در جبهه شمالی، زیرزمین با نورگیرهای مشبک سنگی، ایوان با دو ستون، تالار نه‌دری، و دو دستگاه پله قرار



شکل ۵. سردر عمارت فراش‌باشی (عکس از ویدا گرجی و ندا گرجی، شهریور ۱۴۰۲)



شکل ۶. پلان عمارت فراش‌باشی (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)

کریاس، فضای میانی سردر و فضای ورودی خانه به شکل هشت ضلعی است. این بخش، با گچ سفید پوشیده شده است. طاقچه نیز جزو اجزای این فضای هشت‌ضلعی است. پشت ستون‌های شرقی سردر عمارت، روی کریاس ورودی دالان، صندوق‌خانه خانۀ گرک یراقی به ابعاد سه در چهار قرار داشت که بخش کوچکی از آن روی دالان بود. پس از آن دالان به طول تقریباً یازده متر قرار دارد که فضای نورگیر در آن تعبیه نشده، و تنها نوری که به آن وارد می‌شود از سمت حیاط است. عرض دالان کمتر از یک‌متر بوده و مرمت‌گران در اواخر دهه نود شمسی با تراشیدن نیم‌متر از هر دو طرف دیوارهای کاه‌گلی آن، عرض دالان را به دو متر رساندند (گرک‌یراقی، ۱۴۰۳). در وسط دالان، بر روی قوس کمائی سقف، یک دریچه تقریباً نیم‌متر در نیم‌متر تا پیش از مالکیت سازمان میراث فرهنگی وجود داشته که روی آن میله‌هایی به فاصله تقریبی ده سانتی‌متر در ده سانتی‌متر قرار داشت. این دریچه که در سمت غرب عمارت روی ایوان شرقی خانۀ شهباز گرک یراقی قرار داشت، توسط سازمان میراث فرهنگی مسدود شد و سقف دالان از شکل کمائی به شکل مسطح مرمت گردید. روی ایوان دو اتاق کوچک است که بیشتر روی سقف دالان عمارت فراش‌باشی قرار دارد و از دوره سکونت خانواده ابریشم‌کار به همین شکل بوده است. به نظر می‌رسد، از طریق این دریچه رفت‌وآمد به عمارت فراش‌باشی نظارت می‌شده و آن دو اتاق، محل استراحت فراش‌های نگهبان بوده است. در سمت غرب دالان، دو سه متر مانده به حیاط، پنجره آب انبار بوده و چاه آن در زمان سکونت خانواده ابریشم‌کار متعلق به همسایه بود (محمود ابریشم‌کار، ۱۴۰۲ و گرک‌یراقی، ۱۴۰۳). در انتهای دالان، هنگام ورود در سمت شمال، حیاط، ایوان، و تالار نه‌دری، در سمت شرق سه اتاق، و در سمت غرب تالار پنج‌دری قرار دارد. به پلان عمارت در شکل (۶) نگاه کنید.

حیاط خانه

تأسیسات کنونی عمارت فراش‌باشی دارای دو حیاط است.
 - حیاط اول (اندرونی): دسترسی به حیاط اول از بیرون خانه، پس از عبور از هشتی و دالان سرپوشیده امکان پذیر است. حیاط نسبت به سطح ورودی، پایین‌تر قرار گرفته است. کف‌پوش حیاط با آجر عباسی مربعی شکل پوشیده شده بود. در مرکز حیاط، حوضی هشت‌ضلعی در فضای آب‌گیر هشت‌ضلعی، و در دو طرف حوض دو باغچه مجزا قرار دارد. به قول لرد کرزن، ایرانیان طوری زیر کانه حوض را می‌ساختند که «آب از لبه سنگی لبریز و در حاشیه اطراف

دارد که پلکان سمت شرقی در دوره سکونت شیران‌ها به بنا افزوده شده است (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲). ساختمان تالار نهدری به دلیل بنای زیرزمین نسبت به تالار پنج‌دری و دیگر اتاق‌ها، در ارتفاع بالاتری قرار گرفته است (شکل ۷). دسترسی به فضای هریک از اتاق‌های شرقی و تالار غربی، از طریق حیاط است. در ضلع جنوبی حیاط در کنار دالان، انبار قرار دارد. در این حیاط، مبانی طراحی معماری درون‌گرای دوره قاجار حفظ شده است. اجزای مورد نیاز بخش عمارت اندرونی شامل تالار شاه‌نشین (تالار نهدری)، مطبخ، اتاق‌ها، و حمام در آن قرار دارد. پس این بخش از عمارت، اندرونی محسوب می‌شود.

- حیاط دوم (بیرونی): حیاط دوم در ضلع شمالی بنا، پشت اتاق نهدری قرار دارد و دسترسی به آن از طریق اتاق گوشواره غربی اتاق نهدری است که در زمان سکونت خانواده ابریشم‌کار به فاصله یک متر از در اتاق، دیوار کاه‌گلی کشیده بوده‌اند و مسدود بوده است (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲). در دوره پهلوی، ساکن ضلع شمالی خانه، خانواده‌ای با نام خانوادگی عرب بوده است. صاحب‌خانه، مغازه میوه‌فروشی در خیابان خوش (طالقانی امروزی) داشته است (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). پس، دسترسی به حیاط دوم از طریق درب ورودی خانه عرب که در ضلع شمال شرقی قرار دارد، امکان‌پذیر بوده است. در دو ضلع شرقی و غربی حوض چهارضلعی، دو باغچه مستطیلی شکل قرار دارد.

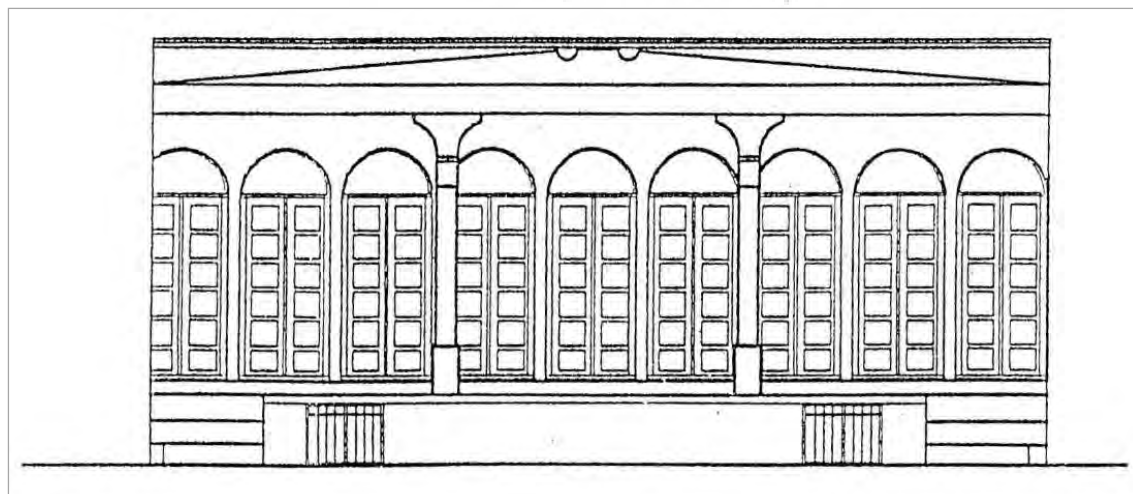
جبهه شمالی عمارت (بیرونی)

در ضلع جنوبی حیاط، ساختمان تالار نهدری خانه واقع شده است. این بنا، دارای دو تالار و یک اتاق مجزا با سه ورودی حجره‌ای شکل و درهای چوبی دو لنگه بود. سطح تالار

نه طاق نمای قوسی شکل بنا، حدود نیم متر از سطح حیاط فاصله دارد و پنجره‌های مشبک زیرزمین زیر تالار نهدری، در این حیاط دیده می‌شود. این زیرزمین، تنها فضای یکپارچه با ساختمان نهدری حیاط اول است که در دوره سکونت خانواده ابریشم‌کار، بین آن دیوار کشیده بودند.

در جبهه غربی بنا، اتاقی با نمای بیرونی پنج طاق نمای قوسی شکل با درهای دو لنگه چوبی با فاصله حدود نیم متر از سطح حیاط قرار دارد. در دو طرف آن، دو طاق نمای دیگر به‌عنوان ورودی به دو بخش جنوبی و غربی، دیده می‌شود. در مقابل نمای طاق‌نماها، هیمه‌سوزی گچ‌بری قرار دارد که تزیینات نقش گل‌وبته آن نسبت به هیمه‌سوزهای اتاق‌های حیاط اول، ساده‌تر است. آثاری از آیینه‌کاری بر روی دیوارها دیده می‌شود. سقف اتاق به صورت تخت و دوپوش است (گزارش اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۸۸). درهای اتاق، چوبی قدیمی با شیشه‌های رنگی است. به نظر می‌رسد، درهای این اتاق برخلاف درهای رو به حیاط اول، تغییر نیافته است. زیر این ساختمان نیز نورگیرهای زیرزمین به شکل پنجره‌های مشبک سنگی است. ورودی این زیرزمین از سمت حجره‌ای است که در جنوب غربی حیاط واقع شده است. پله‌های ورودی به زیرزمین بلند و کف آن همانند برخی از خانه‌های تاریخی اواسط دوره قاجار، کوتاه و دارای شیب تند است. دیوارها به‌طور ساده آجرچینی شده و طاقچه‌ها قوسی شکل و لبه‌دار هستند. کف زیرزمین با آجرهای مربعی شکل پوشیده شده است.

روبه‌روی طاق‌نماهای نهدری، یک ساختمانی از دوره پهلوی وجود داشته که در دهه نود شمسی آن را به شکل اتاقی با طاق‌نمایی مشابه جبهه غربی مرمت کردند. در جبهه جنوب شرقی حیاط پلکانی قرار دارد که به زیرزمین فضای اندرونی



شکل ۷. نمای شمالی عمارت (اندرونی) (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)

– ایوان سرتاسری: در این عمارت، ایوان سرتاسری که از اوایل دوره قاجار در شمال و شمال غربی کشور مرسوم بوده است، به چشم می‌خورد. این ایوان‌ها برای حفاظت از پنجره‌ها و نمای ظاهری بنا به‌هنگام بارندگی، ایجاد سایه در تابستان و نفوذ آفتاب در زمستان مناسب است. برخی از محققان باتوجه به اینکه خانواده شیران، آخرین ساکنان خانه، اصالت بختیاری داشتند، وجود ایوان سراسری را با سبک کُردی (الگوی کوهستانی) که پس از فتح اصفهان و سقوط استبداد صغیر در این شهر رایج گردید، مرتبط می‌دانند (قاسمی و حریری، ۱۳۹۹: ۳۲؛ گزارش اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۸۸). در حالی که این عمارت در اواسط حکومت ناصرالدین‌شاه در اصفهان ساخته شده است، و حداقل به‌لحاظ زمانی بیش از سه دهه با آن مقطع زمانی، فاصله دارد. نظر به اینکه خاندان فراش‌باشی از نورمازندان بودند، وجود ایوان سرتاسری در بنا، توجیه‌پذیر است. ورود به ایوان از طریق دو دستگاه پله در دو طرف آن، امکان‌پذیر است. روبه‌روی هر سه دهانه در مرکزی تالار نهدری، یک ستون قرار دارد. سرستون‌ها دارای تزیینات گچ‌بری، و آزاره هر دو ستون سنگی چهارگوش با نقوش حجاری شده است. سقف ایوان و نمای ورودی طاق‌نماهای درهای تالار با گچ‌بری شیر و شکری و گل‌وبته تزیین شده است. نصب اولین چراغ مهتابی در ایوان سرتاسری، در دوره سکونت خانواده ابریشم‌کار صورت گرفته است (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). نه طاق‌نمای قوسی شکل مزین در جبهه شمالی، و دو طاق‌نمای دیگر در جبهه شرقی و غربی ایوان وجود دارد که یکی به تالار پنج‌دري، و دیگری به فضای مطبخ و حمام و دیگر بخش‌های جبهه شرقی راه دارد.

– تالار نهدری: تالار شاه‌نشین یا تالار نهدری، اصلی‌ترین فضا در امتداد محور اصلی ساختمان و در جبهه شمالی رو

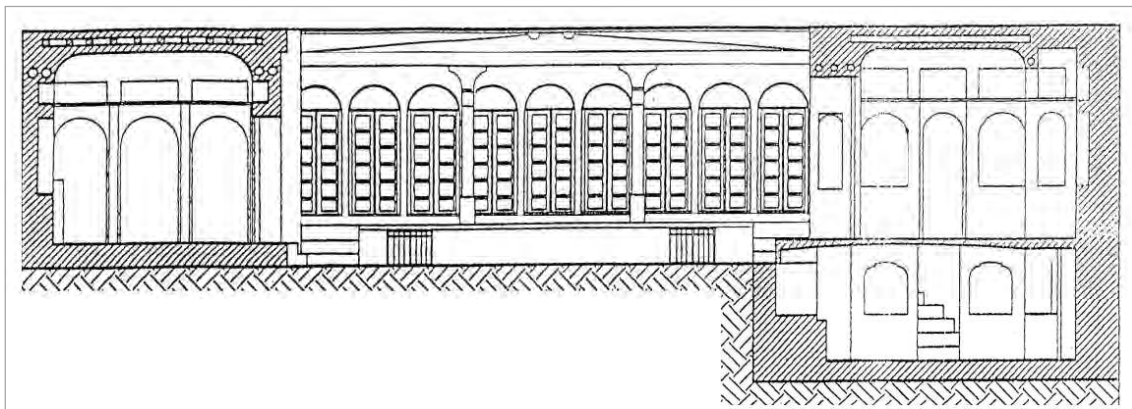
عمارت که زیر تالار نهدری است، می‌رسد. تالار نهدری و اتاق‌های طرفین آن، قرینه‌اتاق‌های تالار نهدری حیاط اول است. با این تفاوت که این بنا، تقریباً به اندازه نیم متر در سطح پایین‌تری نسبت به تالار حیاط اول، قرار دارد. در اتاق همیشه‌سوزی با تزیینات گچ‌بری شیر و شکری، آینه‌کاری و نقاشی رنگ‌وروغن مناظر اروپایی، دیده می‌شود. طاقچه‌های قلابی شکل با تزیینات آینه‌کاری و گچ‌بری خاص است. طاقچه‌هایی نیز نزدیک سقف تحت اتاق تعبیه شده که دارای تزیینات گچ‌بری شیر و شکری و آینه‌کاری است که به آن‌ها «طاقچه بلند» می‌گویند. در گذشته، مردم اشیای قیمتی و اسناد و مدارک را در این طاقچه‌ها پنهان می‌کردند. باتوجه به اینکه تالارهای شاه‌نشین دو حیاط به یکدیگر متصل بوده است، این بخش از عمارت باید بخش خصوصی عمارت بیرونی باشد. محلی که صاحب‌منصب حکومتی به همراه فرزندان ذکور و اقوام نزدیک به استراحت می‌پرداخته، و از طریق خادمان خانه از وضعیت اندرونی، مطلع می‌شده است.

جبهه جنوبی عمارت (اندرونی)

در این بخش از عمارت، جبهه شمالی اندرونی شامل ایوان سرتاسری، تالار شاه‌نشین، اتاق گوشواره غربی، اتاق گوشواره شرقی، و زیرزمین، جبهه شرقی شامل مطبخ، حمام و مستراح، در دوم خانه، چاه و واجه، سه اتاق، آشپزخانه دوم و زیرزمین، جبهه غربی شامل انباری و تالار پنج‌دري، و دو گوشواره آن و جبهه جنوبی شامل دالان ورودی و ایوان قرار دارد که در ذیل به شرح مختصر هریک از آن‌ها پرداخته شده است.

جبهه شمالی اندرونی

در این بخش از خانه، ایوان سراسری، تالار شاه‌نشین، اتاق گوشواره غربی، اتاق گوشواره شرقی و زیرزمین قرار دارد.



شکل ۸. مقطع جبهه شمالی عمارت (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)

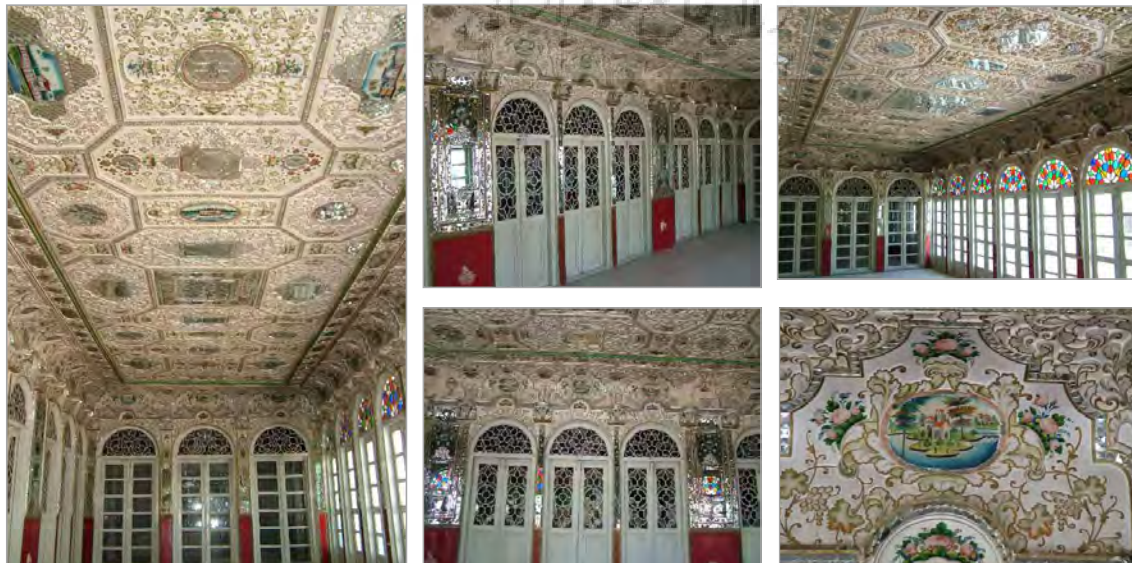
به آفتاب قرار دارد. این تالار یکی از ویژگی‌های بارز عمارت فرانس باشی است؛ زیرا در دوره قاجار بیشتر تالارها، پنج‌دری ساخته می‌شد. درهای تالار نه‌دری، مستطیلی شکل است. این تالار از بیرون نه در دارد. درون تالار به موازات درها نه در تزئین شده با قاب‌های فلزی و شیشه‌های رنگی قرار دارد. به نظر می‌رسد در گذشته این درها به تالار نه‌دری حیاط دوم باز می‌شده است. قاب درها به شکل نیم‌شمسه فلزکاری شده با شیشه‌های رنگی و دو لنگه چوبی مستطیلی، از جنس چوب چنار با ده قاب شیشه‌ای مستطیلی شکل است. قاب‌های شیشه‌ای پیش از سکونت خانواده ابریشم‌کار تکه‌های شیشه‌ای رنگی بوده که استاد جعفر معمار در دهه سی شمسی بنا به درخواست همسرش، آن‌ها را تغییر داده است (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). درون تالار در عرض آن در راستای شرقی و غربی، سه در قرار دارد که مربوط به دو اتاق کناری تالار است. به



شکل ۹. نمای جبهه شمالی اندرونی (عکس از آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)

شکل (۸) نگاه کنید. کف پوش اتاق از گچ بوده است. بنا به گفته خانواده ابریشم‌کار چند سال یک بار دوباره کف تالار را با گچ می‌پوشاندند. آن‌ها یک فرش ۴۸ متری با زمینه رنگ لاک‌ی دست‌باف، کف اتاق پهن کرده بودند و از تالار به عنوان مهمان‌خانه استفاده می‌کردند (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). به ازای هر سه در داخل اتاق به اندازه‌ای حدود هفتاد سانتی‌متر، و هر در حدود چهارده سانتی‌متر، پیلک تزئین شده با آئینه، گچ، و نقاشی مناظر رنگ‌وروغن دیده می‌شود. همچنین در سمت اتاق‌های گوشواره شرقی و غربی، پیلک‌هایی با عرض بیش از بیست سانتی‌متر دیده می‌شود که با آئینه تخت و گود به شکل لایه‌چینی تزئین شده‌اند. ازاره هریک از پیلک‌ها به رنگ شن‌گرف^۱ است. به نظر می‌رسد رنگ پایه، رنگ دیگری بوده است. سقف اتاق، تخت است و نزدیک به طاق، طاقچه دارد. پس از آن، به ازای هر در و دیوار بین هر سه در، در قسمت گلویی طاق، یک طرح فیلیپوش گچ‌بری شده با مناظر طبیعت قرار دارد. سقف مستطیلی شکل است و درون آن، با دو مستطیل و چند هشت‌ضلعی با آئینه‌کاری و گچ‌بری، قاب‌بندی شده است. درون هریک از آن‌ها منظره‌ای نقاشی شده، وجود دارد. هیچ‌یک از نقاشی‌های تالار، کاغذی و یا چهره زن ندارد (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). گفتنی است در این تالار به جز طاقچه نزدیک سقف، طاقچه دیگری در دیوارها تعبیه نشده است.

– **اتاق گوشواره غربی:** استاد جعفر معمار و همسرش در دو گوشواره شرقی و غربی تالار، ساکن بودند (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲). اتاق مربعی شکل گوشواره غربی، سه در از سمت تالار نه‌دری، یک در به سمت ایوان سرتاسری،



شکل ۱۰. تزئینات تالار نه‌دری (اندرونی) (عکس‌ها از آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)

در دو طرف آن دو طاقچه با تزیینات آئینه و گچ‌بری هست، دیده می‌شود. دو قاب تصویر در میان دو طاقچه قرار دارد که تصاویری از خانواده شیران است (شکل ۱۲). گفتنی است

و یک در به سمت حیاط دوم داشت که در دوره سکونت خانواده ابریشم‌کار مسدود بود. روبه‌روی سه در متصل به تالار، هیمة سوز گچ‌بری، و آئینه‌کاری با نقاشی مناظر که



شکل ۱۱. تصویر مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی در اتاق گوشواره غربی تالار نهدری (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان)

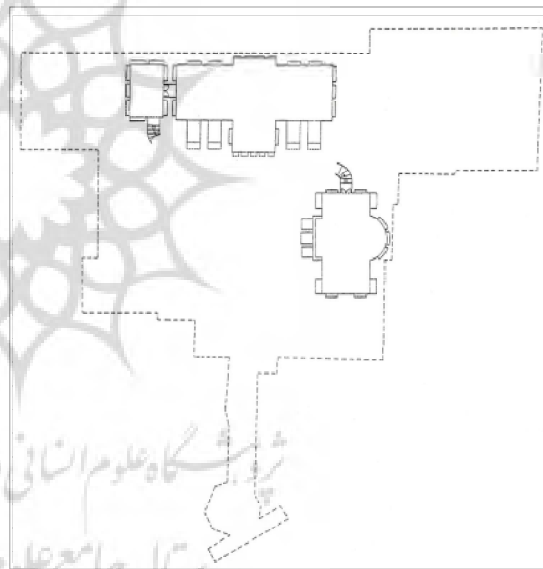


شکل ۱۲. تصویر محمدقلی شیران در اتاق گوشواره غربی تالار نهدری (عکس‌ها از آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان)

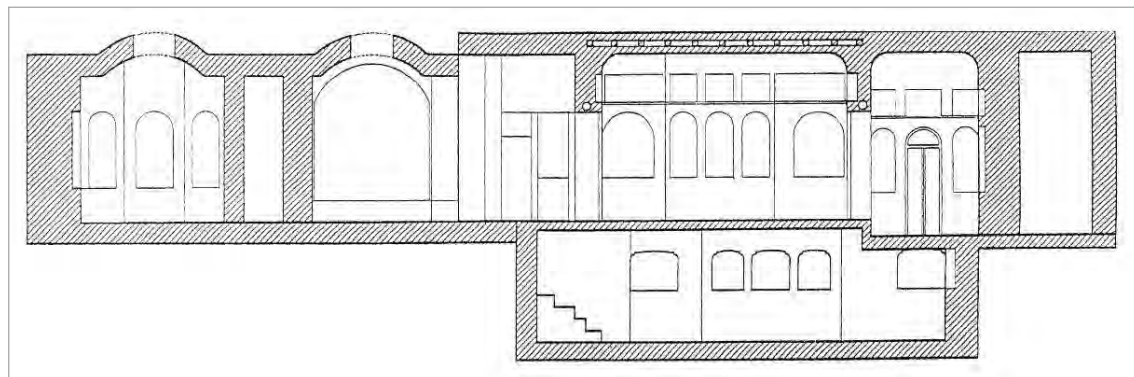
- اتاق گوشواره شرقی: این اتاق مربعی شکل از طرف غرب سه در متصل به تالار نهدری، و یک در از طرف ایوان دارد. همیشه سوز با تزیینات گچ‌بری و آئینه کاری همانند اتاق گوشواره غربی، روبه‌روی سه در است. با این تفاوت که تزیینات کمتری نسبت به اتاق غربی دارد. طاقچه‌های دو طرف همیشه‌سوز و دو طاقچه دیگر اتاق، مزین به گچ‌بری گل و بته و آئینه کاری است. در محل قاب تصاویر آن‌ها، شمشه‌ای از گچ دیده می‌شود. ازاره اتاق به رنگ فیروزه‌ای است که تناسب بیشتری با رنگ‌های به کار رفته در بنا دارد. به نظر می‌رسد زمینه رنگ ازاره‌های تالار نهدری و اتاق گوشواره غربی هم به این رنگ بوده است. تزیینات پیلک‌ها و گلوبی طاق و طاقچه نزدیک به آن، همانند اتاق گوشواره غربی است. برخی از نقاشی‌های این اتاق در اواسط دهه سی شمسی توسط نقاش و هنرمندی جوان به نام احمد ترابی عیناً قرینه سازی گردید. طوبی خانم مادر بزرگ خانواده ابریشم‌کار در این اتاق کرسی می‌گذاشت و از خانواده‌اش پذیرایی می‌کرد (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲).

- زیرزمین: بنای آجری زیرزمین، زیر ایوان سرتاسری و دو تالار نهدری دو حیاط قرار دارد. درهای ورودی آن یکی در جبهه شرقی حیاط اول، و دیگری در جبهه غربی حیاط دوم قرار داشته که هر کدام یک دستگاه پلکان داشتند. در زیرزمین را باید بلند می‌کردند تا می‌توانستند وارد بشوند. وسط زیرزمین دیواری بود که بین دو خانه ابریشم‌کار و عرب کشیده بودند (محمود ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). طاقچه‌ها و ازاره‌های زیرزمین سمت خانه ابریشم‌کار آجرچینی ساده است، اما در ازاره‌های زیرزمین خانه عرب آثاری از کاشی لعاب‌دار سفید و فیروزه‌ای رنگ، دیده می‌شود. همان‌طور که پیش از این گفته شد، چهار پنجره نورگیر سنگی مشبک حجاری شده، در حیاط اول و دوم قرار دارد.

پیش از این، در دوره سکونت خانواده ابریشم‌کار، تصاویر این دو طاقچه مربوط به خانواده فراتش‌باشی بوده است. تنها یکی از تصاویر مذکور باقی مانده که متعلق به مصطفی قلی خان فراتش‌باشی است. این تصویر در طاقچه ضلع مشرف به حیاط درونی قرار دارد (شکل ۱۱). جد خانواده ابریشم‌کار به اصالت طرح و معماری خانه، و صاحب پیشین آن که می‌دانستند یکی از صاحب‌منصبان حکومتی ظل‌السلطان بوده، اهمیت می‌داده است. به همین دلیل آن‌ها در دوره سکونت خود، تصاویر درون قاب‌ها را تغییر نداده بودند (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). ازاره طاقچه‌ها به رنگ شن‌گرف است و پیلک‌ها گچ‌بری و آئینه کاری شده است. گلوبی طاق، گچ‌بری شده و درون شمشه‌های آن تقریباً یکی در میان آئینه کاری و نقاشی مناظر دیده می‌شود.



شکل ۱۳. پلان زیرزمین‌های فضای اندرونی عمارت (سند از آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان، دی‌ماه ۱۳۸۱)



شکل ۱۴. مقطع شرقی عمارت (اندرونی) (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)

جبهه شرقی خانه

در این بخش خانه، مطبخ، حمام و مستراح، در دوم خانه، چاه و واچاه، سه اتاق، آشپزخانه دوم و زیرزمین قرار دارد. در ادامه، به شرح مختصر هریک از آن‌ها پرداخته شده است.

- مطبخ: از طریق پلکان کنار اتاق گوشواره شرقی و حیاط می‌توان وارد فضای مستطیلی شکل مطبخ شد. دیوار آن با گچ سفید پوشیده، و کف آن با آجر مربعی، فرش شده بود. سقف مطبخ بلند و دارای دو کجاوه (طاق چشمه پوش) بود. بین دو طاق، روی قوس سقف نزدیک به تنور سه نورگیر مربع و دایره‌ای شکل، تعبیه شده بود. روی نورگیرها را با نشیسه پوشانده بودند. باین حال، چون مطبخ در فضای بسته شمال شرق خانه قرار داشت، نور کمی به آن ساطع می‌گشت و بیشتر، ظلمات خانه بود. تنور در سمت چپ مطبخ قرار داشت و دودکش که به پشت‌بام متصل بود، در بالای آن قرار داشت. در کنار تنور در زاویه شمالی آن، سه تا مطبخ قوسی شکل از جنس آجر و خشت بود که درون آن هیزم می‌ریختند و روی آن، دیگ بار می‌گذاشتند. مطبخ، سکویی برای نشستن و طاچه‌ای جهت گذاشتن وسایل داشت. خانواده ابریشم کار پس از آنکه چراغ فتیله‌ای به بازار آمد، فقط برای پخت



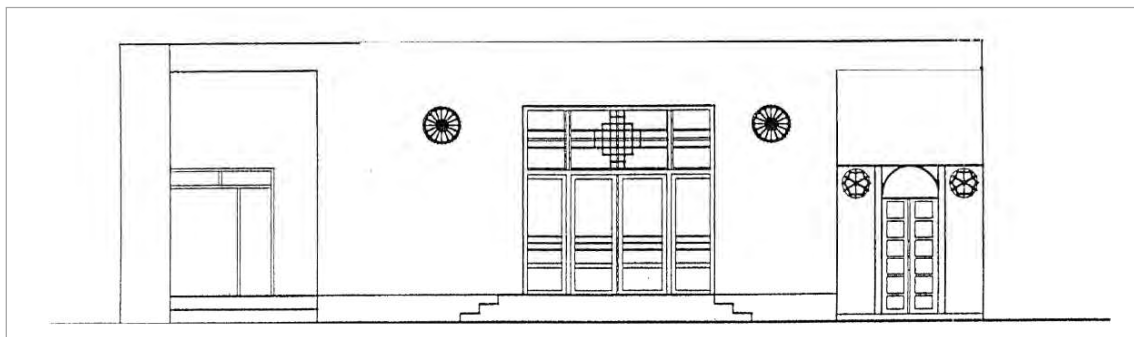
شکل ۱۵. تصویر اتاقی از جبهه شرقی عمارت (اندرونی) در هنگام سکونت خانواده شیران در سال ۱۳۸۱ (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)

غذای جشن‌ها، از مطبخ اصلی استفاده می‌کردند (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲).

- حمام و مستراح: در کنار مطبخ، حمام قرار داشت. ساخت حمام در دوره قاجار چندان متداول نبود و مردم از حمام عمومی استفاده می‌کردند. فقط برخی از صاحب‌منصبان و تجار در خانه‌های خود حمام می‌ساختند. بنابراین حمام یکی از ویژگی‌های خاص عمارت فراش‌باشی است که شامل پینه، تون، خزینه، نشیمنگاه و حوض هشت‌ضلعی بود. حمام به شکل ساده آجر چینی شده بود. سقف آن گنبدی با فیلیپوش‌های آجری و طاق‌نماهای قوسی شکل بود. نورگیر مستطیلی شکل در مرکز سقف قرار داشت. در وسط حمام حوض هشت‌ضلعی قرار داشت که مرکز آن دایره‌ای شکل بود. خزینه در گوشه شمال شرقی حمام قرار داشت که یک دستگاه پلکان و سقف آن چند نورگیر داشت. روی دیواره بالای خزینه، کاشی‌هایی با زمینه فیروزه‌ای و زرد قرار داشت (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). در گذشته، از راه‌ها و طاق‌نماهای حمام با کاشی‌های نفیسی پوشانیده شده بود. استاد جعفر معمار، در اواسط دهه بیست شمسی، کاشی‌های حمام را به مسجدی اهدا کرد (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲). تون در کنار خزینه قرار داشت. خانواده ابریشم‌کار از حمام استفاده نمی‌کردند؛ ولی آثاری از دوده و سیاهی گرم کردن حمام با هیزم در بخش شمالی آن دیده بودند که نشان می‌دهد در گذشته حمام برای ساکنان پیش از خانواده ابریشم‌کار، کاربری داشته است. خانواده ابریشم‌کار به این دلیل که تصور می‌کردند در حمام مار هست، از آن استفاده نمی‌کردند (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲).

مستراح، یک راهروی سه متری با توالت مخروطی شکل بود که در شمال چاه، روبه‌روی راهروی جبهه شرقی قرار داشت. این راهرو از طرف حیاط به مطبخ، حمام، چاه، انباری، و زیرزمین شرقی راه داشت (محمود ابریشم‌کار، ۱۴۰۲).

- در دوم خانه: پشت حمام در چوبی کوچکی بود که به کوچه باریکی باز می‌شد. در گذشته، از طریق این در برای



شکل ۱۶. نمای شرقی عمارت (سه اتاق و آشپزخانه دوم) (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان)



خانواده ابریشم کار همزم می آوردند و چاه کش با وسایل و ابزار کارش از این در رفت و آمد می کرد (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲).

یک دستگاه پلکان پشت بام، پشت سکوی حمام و کنار این در بود.

- چاه و واچاه: چاه نیز روبه روی راهروی جبهه شرقی بود. اجزای آن دلو، چرخاب، چل، توپی و حوضچه بود.

چهار پنج متر بالاتر از سطح چاه، یک طبقه بود که چرخ آب کشی بزرگ و حوض کوچکی داشت. هر هفته آب کش، برای پر کردن حوضها به خانه ابریشم کار می رفت. آب کش ابتدا توپی حوض مرکزی را برمی داشت. سپس از بالا اهرمی را با پا می چرخاند. دلو پر از آب می شد و به بالا می رفت.

بعد آب کش، چل را می کشید و آب دلو را در حوضچه خالی می کرد. آب حوضچه از طریق یک لوله سفالی تنبوشه، به حوض مرکزی وسط حیاط انتقال می یافت. آب فواره می کرد.

حوض سرریز می شد (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲). «می گفتیم مشتی حوضچه را هم پر از آب کن. توپی را می گذاشت و حوضچه را پر می کرد. آن وقت ما هر وقت برایمان میهمان می آمد، توپی را برمی داشتیم برای حدود نیم ساعت فواره وسط حوض کار می کرد» (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲). آب کش قبل از رفتن، چرخاب بزرگ را در گوشه طبقه بالا می گذاشت و چرخ کوچک را که در سطح چاه بود، کار می گذاشت. آن چرخاب، یک دلو کوچک هم داشت که اعضای خانواده از آن استفاده می کردند. بعدها مقنی در کنار چاه، چاه دیگری به عمق دو متر کند که به آن واچاه می گفتند. پمپها از چاه اصلی که عمیق بود، آب نمی کشید. از آنجا که پمپ آن موقع باید کنار آب می بود، چاهی فرعی کنار چاه اصلی کردند و موتور دیناب را در چاه دوم کار گذاشتند. یک کلید بزرگی داشت که وقتی می زدی آب از حوض وسط حیاط، فواره می کرد (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲).

- زیرزمین شرقی: زیر ساختمان مسکونی جبهه شرقی، بنای زیرزمین در کنار انباری قرار دارد. دسترسی به آن از طریق یک دستگاه پلکان با شیب تند، امکان پذیر بود.

این انباری محل نگهداری مایحتاج مطبخ و لوازم ضروری آن بود که در گذشته به آن حوائج خانه می گفتند. دیوارها و سقف زیرزمین، آجری است و کف آن با آجر مربعی شکل پوشیده شده است. طاقچه های آن با نمای قوسی شکل نیز، آجری است. نور زیرزمین از طریق سه پنجره مشبک حجاری شده، تأمین می گردید.

- سه اتاق: بر روی پنجره های مشبک زیرزمین شرقی، ایوانی کوتاه قرار گرفته است. در دو طرف ایوان در جهت شمالی و جنوبی، دو دستگاه پلکان قرار گرفته است. در طول ایوان، یک در ورودی مستطیلی شکل قرار دارد که شبیه

هیچ یک از درهای عمارت نیست. به نظر می رسد در اواخر دوره پهلوی تغییر یافته باشد. در عرض ایوان، دو طاقچه قوسی شکل قرار گرفته است. در نمای بیرونی دیوار این اتاق، یک قاب مدور مشبک فلزی که با شیشه پوشانیده شده است، دیده می شود. این اتاق، آفتاب گیر نیست و تقریباً در طول روز، فضایی نیمه تاریک دارد. در شرق اتاق، در چوبی دو لنگه بدون قاب شیشه ای قرار دارد که به اتاق ارسی راه دارد. درون اتاق همانند گوشواره تالار نهدری تزیینات نقاشی، گچ بری و آئینه کاری دارد. در غرب در ورودی اتاق، هیمنه سوز مزین به گچ بری برجسته، با طرح زن و دو شیر دیده می شود که در دوره سکونت خانواده شیران به بنا اضافه شده و در واقع، گره برداری ناقص از تزیینات گوشواره ها است.

نقاشی گلدان و دسته گل سرخ که به تزیینات افزوده شده، و طرح های متفاوت طاقچه ها و لبه آن ها، پیلک ها و ازاره های زیتونی رنگ هریک، نشان دهنده طراحی داخلی متفاوت اتاق است. بنا به گفته خانواده ابریشم کار، اتاق های جبهه شرقی و تالار پنج دری به جز هیمنه سوز، تزیینات آئینه کاری و گچ بری نداشته، و طاقچه ها مزین نبوده اند (محمد، محمود و مسعود ابریشم کار، ۱۴۰۲). بنابراین این تزیینات، در دوره سکونت خانواده شیران به آن افزوده شده است. سقف اتاق ها تخت بوده و نزدیک به سقف نیز طاقچه داشته است. در اواخر دهه هشتاد شمسی، بخشی از سقف و دیوارهای این بخش از خانه فرو ریخته بود.

- آشپزخانه دوم: پس از دالان ورودی، در جبهه شرقی یک اتاق کوچکی بود که خانواده ابریشم کار در آن، با چراغ سه فتیله ای غذا می پختند. این اتاق، تزیینات خاصی نداشت و تنها دیوارها با گچ سفید پوشانیده شده بودند. در ورودی آن، از سمت حیاط بود، و نور و تهویه اتاق تنها از طریق همین در تأمین می شد (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲).

جبهه غربی اندرونی

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.

- انباری: در راهرویی تاریک بین تالار نهدری و پنج دری، دستگاه پله ای قرار داشت که به فضای مستطیلی شکل انباری می رسید. پوشش کف انبار، سقف و دیوارهای آن گچ سفید بود. سه گوشه انباری، طاقچه داشت. «آن انباری دری خوفناک داشت و ما در کودکی از آنجا می ترسیدیم.» (محمد ابریشم کار، ۱۴۰۲) بخشی از انباری محل نگهداری مواد غذایی به خصوص خشکبار بود. در بخش دیگری از آن،

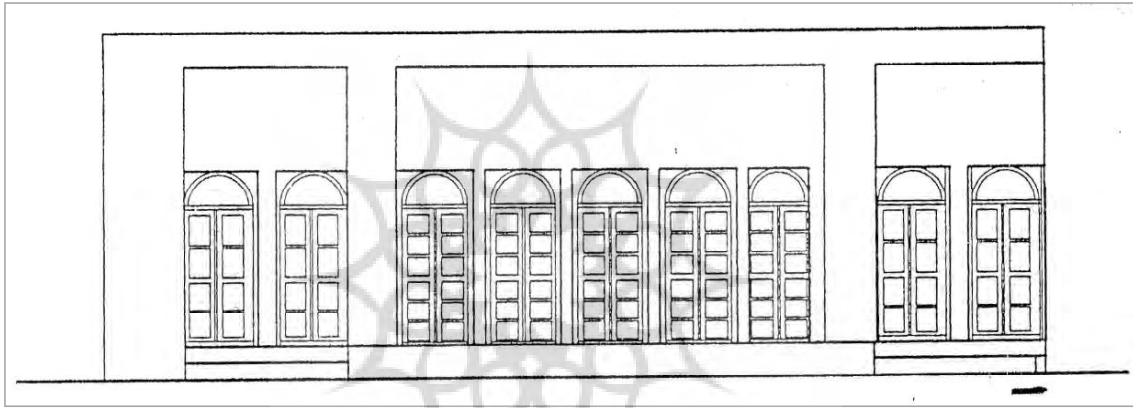
در این بخش خانه، انباری و تالار پنج دری، و دو گوشواره آن قرار دارد که در ادامه، به شرح مختصر آن ها پرداخته شده است.



این اتاق‌ها آفتاب‌گیر است و در طول روز به‌جز اتاق گوشواره جنوبی، فضایی روشن داشتند. درها، همانند تالار نهدری دو لنگه چوبی، با قاب‌های شیشه‌ای و نیم‌شمسه‌ای فلزکاری شده‌اند. کف تالار و اتاق‌های گوشواره از گچ بود و طاقچه‌ها، ازاره‌ها، پیلک‌ها، و سقف تخت آن دارای تزییناتی مشابه تالار نهدری است. این تزیینات، در دوره سکونت خانواده شیران به آن اضافه شده است. براساس گفته خانواده ابریشم‌کار، اتاق‌های جبهه شرقی و غربی به‌جز هیمه‌سوز و طاقچه‌های ساده، تزیینات دیگری نداشته‌اند (محمد، محمود و مسعود ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). تمامی این تزیینات، گرت‌برداری از

جهیزیه دختر استاد جعفر معمار را گذاشته بودند (اقدس رضایتمند، ۱۴۰۲).

- **تالار پنج‌دري و گوشواره‌های آن:** در جبهه غربی، تالار پنج‌دري و در شمال و جنوب تالار، دو اتاق گوشواره با سه در روی سکویی به ارتفاع کمتر از نیم متر قرار دارند. دسترسی به آن‌ها از طریق حیاط و راهروی ایوان سرتاسری است. گروه بناها و مرمتگران بنا در زیر تالار پنج‌دري، خاک دستی پیدا کردند. به نظر می‌رسد در گذشته زیر این تالار نیز زیرزمین بوده است. البته در زمان سکونت خانواده ابریشم‌کار، جبهه غربی بنا زیرزمین نداشته است (مسعود ابریشم‌کار، ۱۴۰۲).



شکل ۱۷. نمای غربی عمارت (اندرونی) (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان)



شکل ۱۸. تصویر اتاقی از جبهه غربی عمارت (اندرونی) در هنگام سکونت خانواده شیران در سال ۱۳۸۱ (آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان)



تزیینات تالار نهدری و گوشواره‌های آنها است. گفتنی است خانواده شیران در دوره سکونت خود برحسب ضرورت، تأسیسات برق و لوله‌کشی آب را نیز به بنا افزودند. درون تالار، سه در با قاب شیشه‌ای و نیم‌شمسه‌ای فلزی با شیشه‌های رنگی دیده می‌شود که درهای ورودی به اتاق گوشواره شمالی است. همیشه‌سوزی در این اتاق قرار دارد که مزین به آئینه‌کاری گره‌ای بود. دستگیره در بجه تنظیم دامپر به شکل یک خروس آهنی بود (محمد ابریشم‌کار، ۱۴۰۲). در جهت جنوبی تالار پنج دری، صندوق خانه قرار داشت. تزیینات دو گوشواره،

مشابه است با این تفاوت که پستو فقط در اتاق گوشواره جنوبی تالار قرار داشت.

جبهه جنوبی خانه

در این بخش خانه، دالان ورودی و ایوان قرار دارد که همانند راهروی جبهه شرقی، فضای نیمه‌باز خانه به شمار می‌رود. ایوان آفتاب‌گیر نیست و با دو ستون گچی ساده از ایوان شمالی کوتاه‌تر است. پشت ایوان، چاه همسایه قرار داشته که در دوره سکونت خانواده فراش‌باشی جزو تأسیسات عمارت بوده است.

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، معرفی مصطفی قلی خان فراش‌باشی، بانی عمارتی است که امروزه به نام آخرین صاحب‌خانه آن، «خانه محمدقلی خان شیران» شهرت یافته، و بررسی معماری و ویژگی‌های بارز عمارت است. مصطفی قلی خان از خاندان خواجهگان شهرستان نور استان مازندران بود. او به مدت دو دهه، یکی از صاحب‌منصبان دربار ظل‌السلطان در اصفهان بود. مصطفی قلی خان در منصب فراش‌باشی، امین و مورد اعتماد شاهزاده و مردم، مسئول انتظامات و بازوی ظل‌السلطان در برقراری امنیت در مناطق تحت فرمانش بود. او یکی از اعضای انجمن معارف دارالسلطنه اصفهان بود و در اجرای طرح‌های عمرانی مصوب انجمن، نقش بسزایی داشت. او همچنین، نایب‌الحکومه و مباشر برخی از ولایات تحت حکومت ظل‌السلطان بود. مصطفی قلی خان در ۱۲۶۶ ش/۱۸۸۸ م، از حکومت عراق و منصب فراش‌باشی عزل گردید. دلایل عزل او از مناصب دولتی، در منابع تاریخی نیامده است. به نظر می‌رسد اتهام اخلال در عمل مالیات، مهم‌ترین دلیل برکناری او باشد. اگرچه ظل‌السلطان، فراش‌باشی را به دلیل محبوبیتش نزد مردم، و ادعان و تحشیه مستوفیان دارالسلطنه به درستی اسناد خرج، نتوانست همانند مشیرالملک و سراج‌الملک به یک‌باره طرد و زمین‌گیر کند، اما بخشی از اموال او را مصادره کرد و او را مجبور به پرداخت قبوض اسفرجان و قمشه نمود. همچنین مدت کوتاهی پس از مرگش، عمارت او را هم مصادره کرد.

عمارت مصطفی قلی خان فراش‌باشی در محله قدیمی درب کوشک اصفهان در کوچه آقاسید محمدعلی قرار دارد. تأسیسات کنونی عمارت شامل دو حیاط، تالارهای نهدری، پنج‌دری، اتاق‌های جبهه شرقی و اتاق‌های گوشواره تالارهاست. بر روی سردر خانه، سال ۱۳۲۴ درج شده که قمری و شمسی بودن آن مشخص نیست. اگر تاریخ سردر به دلیل شواهد شفاهی، قمری در نظر گرفته شود، به این معنی است که یک سال پیش از برکناری ظل‌السلطان از حکومت اصفهان، عمارت به سه یا چهار خانه تبدیل شده است. با این فرضیه، به نظر می‌رسد تأسیسات عمارت از جبهه شرقی، غربی و شمالی بنا کوچک شده، و درب آن در کوچه گردو نرسیده به مسجد ذکراالله قرار داشته است. قرار داشتن در بجه و اتاقی از خانه جبهه غربی روی دالان ورودی عمارت و صندوق‌خانه‌اش که روی ستون‌های سمت راست سردر عمارت قرار دارد، نشان می‌دهد که آن خانه بی‌شک جزو عمارت فراش‌باشی بوده است. محل سکونت کارکنان و خدمه، محل انتظار مراجعه‌کنندگان، محل ملاقات‌های کاری و رسمی، محل بازداشتگاه موقت و ستورخانه در تأسیسات کنونی بنا دیده نمی‌شود. تالار نهدری در جبهه شمالی و یا پنج‌دری در جبهه غربی به دلیل وجود حمام و مطبخ در ضلع شمال شرقی بنا، بخش بیرونی عمارت نیست. آنچه در ضلع شمالی بنا پشت نهدری قرار دارد، به نظر می‌رسد بخشی از عمارت بیرونی بوده است. قسمتی که فراش‌باشی و فرزندان ذکورش و برخی از خدمه نزدیک در آن تردد می‌کردند.



یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد عمارت، وسعت تالار شاه‌نشین است. بیشتر خانه‌های قاجار پنج‌دری است. نه‌دری بودن عمارت، نشان‌دهنده ذوق و ابتکار معمار آن و جایگاه اجتماعی بانی آن است. همچنین در داخل تالار به موازات درهای ورودی، نه‌در با تزیینات خاصی وجود دارد که در دیگر خانه‌های تاریخی به این وسعت نیست. طاقچه کوتاه، یکی از مهم‌ترین اجزای اتاق‌های ایرانی در دوره قاجار در فضای تالار به دلیل وجود بیست و چهار در تعبیه شده است. ایوان سرتاسری از دیگر ویژگی‌های متمایزکننده این عمارت با دیگر خانه‌های تاریخی ساخته شده در اواسط دوره ناصرالدین‌شاه در اصفهان است. همچنین حمام و اجزای آن، از دیگر خصوصیت‌های خاص عمارت فراش‌باشی است. تصویر مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی در اتاق گوشواره غربی تالار نه‌دری اگرچه ویژگی بارز معماری عمارت محسوب نمی‌شود، اما مهم‌ترین وجه تزیینات عمارت است؛ زیرا صرف نظر از شواهد شفاهی، بانی عمارت را در تاریخ حفظ کرده است. در دوره سکونت خانواده ابریشم‌کار، کاشی‌های حمام به مسجدی اهدا شده، شیشه‌های رنگی درهای چوبی تالار نه‌دری تغییر کرده، و تزیینات اتاق گوشواره شرقی مرمت شده است. تأسیسات چاه دوم و سیم‌کشی برق اولیه و نصب چراغ مهتابی در ایوان سرتاسری در مقطع زمانی سکونت آن‌ها، اتفاق افتاده است. افزودن تزیینات گچ‌بری و آئینه‌کاری به اتاق‌های جبهه شرقی و تالار پنج‌دری و گوشواره‌هایش، لوله‌کشی آب، سیم‌کشی کامل ساختمان و فرو ریختن بخشی از دیوار جبهه شرقی در دوره سکونت خانواده شیران بوده است.

پی‌نوشت

۱. اکسید سرب که سرخ رنگ است.

فهرست منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. محقق و مصحح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.
- بامداد، مهدی (۱۳۵۷). شرح حال رجال ایران. ج ۴، تهران: زوار.
- بختیاری، سمیه (۱۴۰۴). فراش‌باشی حضرت والا؛ فراز و فرود زندگی مصطفی‌قلی خان نوری خواجه‌جوی فراش‌باشی ظل‌السلطان. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- بختیاری، سمیه (۱۳۹۸). عراق در دوره حکومت مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی. گنجینه اسناد، دوره ۲۹ (۲): ۷۱-۳۲.
- بختیاری، سمیه (۱۴۰۲). مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی در آیین اسناد و نسخه‌های خطی. پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، دوره ۲ (۱): ۲۸-۵.
- بختیاری، سمیه (۱۴۰۲). تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل‌السلطان در اصفهان. گنجینه اسناد، دوره ۳۳ (۴): ۷۵-۵۱.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۷۸). تاریخ اصفهان. ترتیب و تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، اصفهان: مشعل.
- جناب، میر سیدعلی (۱۳۹۳). احصائیه خانه‌ها و محلات اصفهان. مقدمه، تدوین و تصحیح رضوان پورعصار، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل.
- خاطرات تاج‌السلطنه (بی‌تا). به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: تاریخ ایران.
- خاطرات حسام‌الدوله معزی (۱۳۷۹). گردآورنده ایرج افشار. تهران: ثریا.
- خانه تاریخی شیران در معرض فروش (۱۳۸۳). ماهنامه دانش‌نما، دوره ۱۳ (۱۱۵-۱۱۷). ۴۴-۴۱.
- خواجه‌نوری، حسن‌علی (۱۳۳۵). شجره‌نامه فامیل خواجه‌نوری. بی‌جا: بی‌نا.
- رونه دالمانی، هانری (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- سعادت نوری، حسین (۱۳۴۷). ظل‌السلطان. ج ۱، تهران: وحید.
- سنجی، میرزا شکرالله (۱۳۷۵). تحفه ناصری: تاریخ و جغرافیای کردستان به انضمام پنج مقاله درباره قبایل کرد. تصحیح حشمت‌الله طبیبی، تهران: امیرکبیر.
- شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء (۱۳۶۱). به کوشش عبدالحسین نوائی. تهران: بابک.



- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). **ایران و قضیه ایران**. ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قاسمی سیچانی، مریم و آزاده حریری (۱۳۹۹). **خانه‌های قاجاری اصفهان**. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان و معمارخانه باغ نظر.
- مردوخ کردستانی، محمد (بی‌تا). **تاریخ کرد و کردستان**. ج ۱، بی‌جا: بی‌نا.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۶). **اصفهان دارالعلم شرق**. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی خان (۱۳۶۲). **خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی**. محقق و مصحح معصومه مافی و دیگران، ج ۱، تهران: تاریخ ایران.
- هاسه گاو، کومی (۱۳۹۱). **خاندان نوری و ولایت فارس در ابتدای دوره قاجاریه**. ترجمه ایچیرو ازوا و امید رضایی، مجله پیام بهارستان، ش (۱۷): ۵۴۳-۵۱۹.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۸۶). **اصفهان**. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.

نشریات

- روزنامه ایران، نمره ۲۵۳، ۱۱ جمادی‌الاول ۱۲۹۵ ق.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۲۸۶، ۲۹ صفر ۱۳۰۲ ق.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۱۲۹، ۲۳ محرم ۱۲۹۹ ق.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۱۳۰، ۳۰ محرم ۱۲۹۹ ق.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۱۹۹، ۱۱ جمادی‌الآخری ۱۳۰۰ ق.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، نمره ۳۸۱، ۲۹ دی‌قده ۱۳۰۳ ق.
- روزنامه نیازمندی‌های همشهری، هشتم مهرماه ۱۳۸۳.

۱۲۴

اسناد و گزارش‌های دولتی منتشر نشده

- کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان، شماره بازیابی ۲۵۴۲ و ۲۰۴۸.
- گزارش اداره کل میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان از خانه شیران ۱۳۸۸. آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان.
- اسناد و پلان‌های خانه شیران در دی‌ماه ۱۳۸۱، آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان.
- نقشه تاریخی اصفهان سیدرضاخان در ۱۳۰۲ ش، آرشیو شخصی بهروز نوری خواجوی.

نسخه‌های خطی منتشر نشده

- نسخه خطی روزنامه خاطرات. سازمان اسناد و کتابخانه ملی. شماره بازیابی ۵-۹۹۹۳.
- نسخه خطی کتابچه جمع و خرج قریه اسفرجان، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۱۰۳۴ س.
- نسخه خطی کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۹۴۸ س.
- نسخه خطی کتابچه مفاصاحساب سمیرم، نجف‌آباد و غیره، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۱۰/۱۱۵۵.
- نسخه خطی کتابچه تحقیقات و کسور دهات مخروبه عراق. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. شماره بازیابی س ۹۵۴.

منتشر نشده

- ابریشم‌کار، محمد (۱۴۰۱). **خانه فرارشی**. شغل آزاد (۷۲ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، مصاحبه تلفنی، آرشیو شخصی.
- ابریشم‌کار، محمد (۱۴۰۲). **خانه فرارشی**. شغل آزاد (۷۲ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، محل مصاحبه منزل خانواده ابریشم‌کار، آرشیو شخصی.



- ابریشم کار، محمود (۱۴۰۲). *خانه فرارش باشی*. شغل آزاد (۷۰ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، محل مصاحبه منزل خانواده ابریشم کار، آرشیو شخصی.
- ابریشم کار، مسعود (۱۴۰۲). *خانه فرارش باشی*. شغل آزاد (۶۷ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، محل مصاحبه منزل خانواده ابریشم کار، آرشیو شخصی.
- رضایتمند، اقدس (۱۴۰۲). *خانه فرارش باشی*. خانه‌دار (۸۷ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، محل مصاحبه منزل خانواده ابریشم کار، آرشیو شخصی.
- زارعی، محمود (۱۳۹۹). *اصفهان در دوره حکومت ظل‌السلطان*. بازنشسته آموزش و پرورش و اصفهان‌شناس (۵۶ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، محل مصاحبه میدان نقش جهان، آرشیو شخصی.
- سپهرنوری، پروین‌دخت (۱۳۹۶). *خاندان مصطفی قلی خان فرارش باشی*. پزشک (۶۳ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، محل مصاحبه شرکت خواجهی، آرشیو شخصی.
- گَـرَک‌یراقی، شهیار (۱۴۰۳). *عمارت فرارش باشی*. بازنشسته (۶۳ساله)، مصاحبه نگارنده، مصاحبه تلفنی، آرشیو شخصی.
- نوری خواجهی، بهروز (۱۳۹۶). *خاندان مصطفی قلی خان فرارش باشی*. مهندس (۷۲ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، محل مصاحبه شرکت خواجهی، آرشیو شخصی.
- نوری خواجهی، بهروز (۱۴۰۰). *خاندان مصطفی قلی خان فرارش باشی*. مهندس (۷۲ساله)، مصاحبه‌کننده نگارنده، مصاحبه تلفنی، آرشیو شخصی.

- Bakhtiari, Somayeh (2025). The rise and fall of the life of Mostafā Qoli Khān, Farrāshbāshi of Zell-e Soltān (1294-1309 AH/1877-1891 AD). *British Journal of Middle Eastern Studies*, 52(2), 463–480. <https://doi.org/10.1080/13530194.2023.2295881>
- *Isfahan-e Asre Zel al-Sultan* (Isfahan in the age of Zel al-Sultan), ed. Akbar Sharifzadeh and Alireza Niknejad, Tehran: Tarikh-e Iran, 1395 [2016].
- Bakhtiari, Somayeh. Iraq (Region of Iran) under the rule of Mustafā Quli Khan (May 1887-January 1888). “*Ganjine-ye Asnad* 29, no. 2 (2019): 32-71.
- Bakhtiari, Somayeh (2025). The rise and fall of the life of Mostafā Qoli Khān, Farrāshbāshi of Zell-e Soltān (1294-1309 AH/1877-1891 AD). *British Journal of Middle Eastern Studies*, 52(2), 463–480. <https://doi.org/10.1080/13530194.2023.2295881>
- Bakhtiari Somayeh (2024) Zel al-Sultan Military Formations and Barracks in Isfahan, “*Ganjine-ye Asnad*”, 33, no. 4.
- Bakhtiari Somayeh (2024) Mostafā Qoli Khān, Farrāshbāshi of Zell-e Soltān in the mirror of documents and manuscripts, “*Documentary and archival studies*”, 2 no. 1.
- Bamdad, Mahdi. *Sharh-e Hal-e Rejal-e Iran* (Dictionary of National Biography of Iran 1700-1960), vol. 4, Tehran: Zavvar, 1357 [1979].
- Curzon, George Nathaniel. *Persia and the Persian Question*, Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani, vol. 1-2, Tehran: Entesharat-e Elmi and Farhangi, 1380 [2001].
- Jenab, Mir Sayyed Ali. *Ehsaeiyeh Khaneh-ha va Mahallat-e Isfahan* (Statistics of Houses and Neighborhoods of Isfahan). ed. Rezvan Pur-Assar. Isfahan: Isfahan Studies Center, 1393 [2014].
- Khajeh Nuri, Hasan Ali. *Shajareh-nameh Famil-e Khajeh Nuri*, N.p, Anonymous, 1335 [1956].
- Khaterat-e Hesam al-Dawleh Moazi (Najaf Quli known as Aqa Sardar). ed. Iraj Afshar. Tehran: Soraya, 1379 [2000].
- *Khaterat-e taj al-Saltaneh*. ed. Mansureh Etehadiyeh and Sirius Saeedvandiyan, Tehran: Tarikh-e Iran, N.d.



- Sa'adat Nuri, Hosayn. **Zell-e Soltan**. vol. 1. Tehran: Vahid, 1347 [1968].
- **Khaneh Tarikhiye Shiran dar Ma'raz-e Forosh**, Mahnameh Danesh-nama, 13 (115-117), 41-44.
- Rene d'Allemagne, Henry, **A travelogue from Khorasan to Bakhtiari**, Translated by Mohamadali Farahvashi, Tehran: Amirkabir, Tehran: Amirkabir, 1335 [1956].
- Sanandaji, Mirza Shokrollah. **Tohfeh-ye Naseri: Tarikh va Joqrafiyaye Kurdestan beh Inzepam-e Panj Maqaleh Darbareh-ye Qabayel-e Kurd**. ed. Heshmatollah Tabibi. Tehran: Amirkabir, 1375 [1996].
- Molk Ara, Abbas Mirza. **Sharh-e Hal-e Abbas Mirza Molk Ara**. Ed. Abdol Hosayn Navaii. Tehran: Babak, 1361 [1982].
- Ghasemi Sichani. Maryam and Azadeh Hariri, **Qajar houses of Isfahan**, Isfahan: Khorasan Islamic Azad University and Bagh Nazar Architects.
- Mardukh Kurdestani, Muhammad. **Tarikh-e Kurd va Kurdestan**, vol. 1, Sanandaj, Ghariqi, 1353 [1974].
- Mahdavi, Mosleh al-din, **Esfahan Dar al-elm Sharq**, vol. 1, Isfahan: Sazman-e Farhangi va Tafrihi Shahr-dari Esfahan, 1386 [2007].
- Nazem al-Saltaneh Mafi, Hosayn Quli Khan. **Khaterat va Asnad Hosayn Quli Khan Nazem al-Saltaneh Mafi**. Ed. Masoumeh Mafi and Mansureh Etehadiyeh, vol. 1. **Tehran: Tarikh-e Iran**, 1362 [1983].
- Hasegawa, Kumi. "The Nuri Family and the Province of Fars in the Early of the Qajar period," Translated by Ichiro Ozawa and Omid Rezaei, *Baharestan Message Journal (Majaleh Payam-e Baharestan)*, no. 17 (1391/2012), 519543-.
- Hunarfâr, Lotfollah. **Isfahan**, Tehran: Entesharat-e Elmi Farhangi, 1386 [2007].
- Etemad al-Saltaneh, Muhammad Hasan Khan. **Tarikh-e Montazem-e Naseri**. ed. Muhammad Ismail Rezvani, vol. 3, Tehran: Donya-ye Ketab, 1367 [1992].
- Jaberi Ansari, Hajji Mirza Hassan Khan. **Tarikh-e Isfahan**. ed. Jamshid Mazahiri. Isfahan: Mashal, 1378 [1999].

News papers

- Iran Newspaper, no. 253, (11 Jumadi al-Awwal 1295 AH).
- Farhang-e Esfahân, no. 129, (23 Muharram 1299 AH).
- Farhang-e Esfahân, no. 130, (30 Muharram 1299 AH).
- Farhang-e Esfahân, no. 199, (11 Jumadi al-Thani 1300 AH).
- Farhang-e Esfahân, no. 286, (29 Safar 1302 AH).
- Farhang-e Esfahân, no. 381, (29 Dhu al-Qadah 1303 AH)
- Niyazmandi-haye Hamshahri, (8 Mehr 1383).

Unpublished Documents

- Ketabkhaneh-ye Markazi-ye Shahr-dari-ye Isfahan (Isfahan Municipality Central Library): 2048, 2542.
- Report of the Administration of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism in Isfahan Province from Shiran House in 2009. Archive of Cultural Heritage Organization of Handicrafts and Tourism of Isfahan Province.
- Documents and plans of Sheeran House in Jan 2002, Archives of Cultural Heritage Organization of Handicrafts and Tourism of Isfahan Province.



- Seyyed Reza Khan's historical map of Isfahan in 1923, personal archive of Behrouz Noori Khajavi.

Unpublished Manuscripts

- Ketabcheh Jam va Kharj Qaryeh Esfarjan (Booklet of Esfarjan Village Settlement). Ketabkhaneh, Muzeh va Markaz-e Asnad-e Majles-e Shoraye Islami (Library, Museum, and Document Center of Iran Parliament), (Kemām), Retrieval Number 10/29264.
- Ketābcheh Makhārej-e Bannāii Sarbāzkhāneh va Sāyer-e Emārāt (Expenditure Booklet of Building Barracks and other Buildings), (Kemām), Retrieval Number 948.
- Ketābcheh Mofāsā Hesāb-e Semirom, Najafābād va Gheyreh (Account Booklet of Simirum and Najafabad and other regions), (Kemām), Retrieval Number 10/1155.
- Ketabcheh Tahqiqāt va Kosur-e Dehāt-e Makhruhbe-ye Iraq (Research Booklet of Fractions of Ruined Villages of Iraq), (Kemām), Retrieval Number 954.

Unpublished interviews

- Abrishamkar, Mohamad. 1401. **Farashbashi's house**, Freelance Job (72 years old), The writer's interviewer, Telephone interview, Personal archive.
- Abrishamkar, Mohamad. 1402. **Farashbashi's house**, Freelance Job (72 years old), The writer's interviewer, Abrishamkar family's house (The place of interview), Personal archive.
- Abrishamkar, Mahmood. 1402. **Farashbashi's house**, Freelance Job (70 years old), The writer's interviewer, Abrishamkar family's house (The place of interview), Personal archive.
- Abrishamkar, Masoud. 1402. **Farashbashi's house**, Freelance Job (67 years old), The writer's interviewer, Abrishamkar family's house (The place of interview), Personal archive.
- Rezayatmand, Aghdas. 1402. **Farashbashi's house**, The Housekeeper (87 years old), The writer's interviewer, Abrishamkar family's house (The place of interview), Personal archive.
- Zarei, Mahmood. 1399. **Isfahan during the reign of Zel al-Sultan**. Retired educationist and Isfahan expert (56 years old), The writer's interviewer, Naqsh-e Jahan square (The place of interview), Personal archive.
- Sepehr Nouri, Parvin Dokht. 1396. **The Family of Mustafa Qolikhān Farashbashi**. Doctor (63 years old), The writer's interviewer, Khajavi Co (The place of interview), Personal archive.
- Nouri Khajavi, Behrouz. 1396. **The Family of Mustafa Qolikhān Farashbashi**. Engineer (72 years old), The writer's interviewer, Khajavi Co (The place of interview), Personal archive.
- Nouri Khajavi, Behrouz. 1400. **The Family of Mustafa Qolikhān Farashbashi**. Engineer (72 years old), The writer's interviewer, Telephone interview, Personal archive.

Received: 2023/06/18

Accepted: 2024/04/28



Mostafā Qoli Khān Farrāshbāshi mansion

Somayeh Bakhtiari*

Abstract

The mansion of Mostafā Qoli Khān Farrāshbāshi, which is known today as Khaneh-ye Shiran, is located in the Darb-e Koushk neighborhood of Isfahan. This mansion was built in the first decade of Zell-e Soltān's rule (1884-1875-) in Isfahan and had unique features in authentic Iranian native architecture. The purpose of this research is to introduce Mostafā Qoli Khān Farrāshbāshi as the founder of the building and to examine its architecture and distinctive features. The research method is the historical and content analysis of research data with a descriptive and analytical approach based on documents, archival manuscripts and unpublished government reports, active interviews, and field and library studies. According to the findings of the research, Mostafā Qoli Khān, as Farrāshbāshi of Zell-e Soltān in Dār al-Saltaneh of Isfahan, was the ruler and official of the government and the approver of the civil accounts of some provinces under the rule of Zell-e Soltān. Also, he was one of the executive workers for the construction, restoration, and reconstruction of Isfahan barracks and the restoration and repair of some historical buildings of Isfahan during the golden period of Zell-e Soltān's rule (1874 to 1887) based on documents and manuscripts. In 1888, Mostafā Qoli Khān was suddenly removed from the position of Farrāshbāshi and the government of Iraq, and his properties were confiscated. Farrāshbāshi Mansion is one of the properties that Zell-e Soltān confiscated after the death of Mostafā Qoli Khān. The Farrāshbāshi mansion was built on a floor with two courtyards, nine-door, five-door halls, Gushvāreh, and sash rooms. According to the history of the main entrance and the extent of the facilities that the Farrāshbāshi Zell-e Soltān mansion should have, it seems that the mansion has benediction from the east, west and the second courtyard area, and its main door was located in Kucheh-ye Gerdu before Zikr Allāh Mosque. The salient features of the current mansion are Farrāshbāshi, an all-around porch, two nine-door halls, and a bathroom.

8

Keywords: Mostafā Qoli Khān Farrāshbāshi: mansion of Farrāshbāshi: Zell-e Soltān: Khaneh-ye Shiran: Isfahan.

* PhD in Iranian History of the Islamic Period, independent researcher.

sbakhtiari88@gmail.com